

یک فعال جنبش شوراها از
کردستان عراق سخن می گوید،
یادداشتهایی در باره یک قیام،
یک پیروزی و یک شکست.



مظفر محمدی

یک فعال جنبش شوراها
از کردستان عراق سخن میگوید

یاداشتهایی درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست

مظفر محمدی

مطالب

یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن میگوید (صفحه ۶)
منتخبی از اسناد مصوب شوراها و چند شماره از نشریه شورا (صفحه ۲۸)

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

انتشارات حزب کمونیست کارگری _ حکمتیست (خط رسمی)

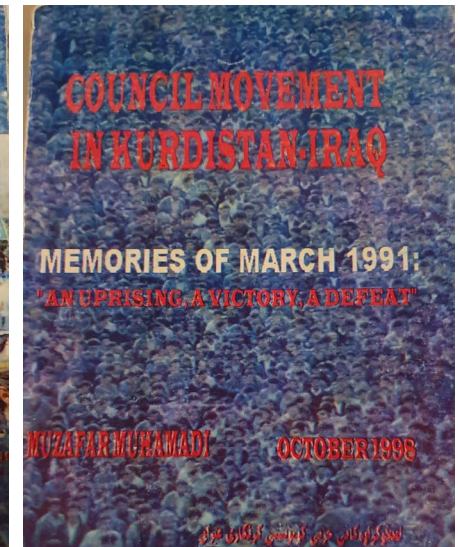
مقدمه چاپ اول

تحولات اخیر عراق و قیام مردم کردستان جنبه های گوناگونی دارد که غالباً توسط رسانه های جهانی و حتی جریانات کرد مسکوت گذاشته می شود. یکی از این جنبه ها پاگیری و رشد جنبش شورایی یا به قول خودشان شورا خواهی است. این که این جنبش چه جایگاهی را در کل این حرکت داشته، نقاط قوت و ضعف آن کجا است، محتاج نه تنها دسترسی به اسناد و گزارش های مستند است بلکه نیازمند تحلیل و موشکافی این اسناد و سیر تحولات و نشان دادن منطق تحولات و قیام مردم کردستان عراق است. ترجمه و انتشار جزوه حاضر تلاشی برای کمک به این کار است.

این جزوه ترجمه یاداشتهای یکی از فعالین جنبش شورایی کردستان عراق است که چاپ کردی آن به خارج رسیده است. بعلاوه مجموعه ای از اسناد و اعلامیه ها و نشریاتی که در جزوه کردی آمده است همراه ترجمه فارسی آنها بعنوان ضمیمه به ترجمه فارسی اضافه شده است.

ترجمه این نوشته ها و اسناد خالی از اشکال نیست. در ترجمه یادداشت ها تلاش شده که لحن محاوره ای نوشته با حفظ امانت نسبت به اصل مطلب حفظ شود. در بخش اسناد پاره ای کلمات و گاه سطرهایی ناخوانا و یا نامفهوم بوده که همانجا به صورت (...) نشانه گذاری شده است. بعلاوه برای مفهوم کردن پاره ای از جملات ناچار به اضافه کردن کلماتی ضروری بوده که این کلمات نیز در داخل پرانتز قرار داده شده اند.

شیرکو - مارس ۱۹۹۱



مقدمه چاپ دوم

یاداشتهای این جزوه در اصل دست نوشته هایی هستند که روزشمار جنبش شورایی مارس ۱۹۹۱ کردستان عراق را به ثبت رساند. این دست نوشته ها ابتدا به زبان کردی و بعد به فارسی ترجمه شد. نسخه کردی آن در کتابی سیصد صفحه ای تحت عنوان « بزوتنه وه ی شورایی له کوردستانی عیراق » ... چاپ شده است. این کتاب مفصلاً به تحولات آن دوره و مسایل گوناگون جنبش شورایی در کردستان عراق پرداخته و اسناد خیلی بیشتری را جمع آوری کرده است.

چاپ اول این دستنوشته ها به زبان فارسی در روزهای پایانی جنبش شورایی منتشر شد. در آن زمان به دلیل امنیت نویسندگان در کردستان عراق با نام مستعار شیرکو منتشر شد. اما کتاب « جنبش شورایی در کردستان عراق » که مدتی بعد چاپ شد امضای واقعی نویسندگان و جمع آوری کننده را دارد.

تجارب جنبش شورایی در کردستان عراق که در این یادداشت ها آمده و در کتاب مذکور هم با تفصیل بیشتری منتشر شده است برای جنبش اجتماعی و خیزش های توده ای مردم کردستان عراق بسیار آموزنده و یاری دهنده است. همچنین این تجارب برای فعالین و مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان ایران هم اهمیت دارد.

کتاب « جنبش شورایی در کردستان عراق » که به زبان کردی است و شامل این جزوه هم می شود در کتابخانه های شهر سلیمانیه و آرشو حزب کمونیست کارگری کردستان عراق جود دارد.

مطالعه و معرفی این تجارب را به همه ی فعالین جنبش شورایی و آزادیخواهان و برابری طلبان توصیه می کنم.

مظفر محمدی- دی ماه ۱۳۹۹ (ژانویه ۲۰۲۱)

یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن میگوید یاداشتهایی درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست

پایان یک جنگ و آغاز جنگ دیگر

با آغاز ماه مارس جنگ خلیج فارس متوقف میشود.

هم اکنون کشور عراق دارای یک حکومت متزلزل، شکست خورده با یک ارتش تحقیر شده و توسری خورده مردم گرسنه و در خطر مرگ، اما امیدوار، امید به اینکه هرچه باشد این رژیم رفتنی است و این تنها دستاورد مردم میبود که تاوانش بس عظیم و نابود کننده بوده است. این آرزوی بالغ بر ۱۶ میلیون مردم یک کشور از ترک و کرد و عرب و اقلیت های مذهبی است.

و با این هدف در دریائی از فلاکت و فقر دسته های قیام در شهر های کردستان عراق در جنوب و شمال سازمان میابد.

دسته های قیام در شهر سلیمانیه

اخبار قیام مسلحانه را از چند شهرک شمال کردستان شنیدیم و خبر درگیریهای جنوب عراق را هم داشتیم. زمزمه قیام اینجا و آنجا در شهر بود و ما عناصر رادیکال و باقیمانده از گروه های متعدد چپ در شهر که اغلب همدیگر را می شناختیم اولین دسته های مسلح قیام را تشکیل دادیم. ما میدانستیم که با صدای اولین شلیک صدها نفر مسلح از خانه هایشان بیرون خواهند آمد. افراد مسلح رژیم آشکارا مایوس بودند و متزلزل. حالت دفاعی آنها برای همه آشکار بود و این مردم روحیه میداد. ونگرانی همباران شیمیائی در میان مردم کم شده بود.

عصر روز ۶ مارس اولین تظاهرات کوچک و پراکنده جوانان ونوجوانان و جنگ وگریز آنها در کوچه ها و خیابانها شروع شد. افراد مسلح و پلیس مخفی رژیم تیر هوائی شلیک میکنند و بچه ها به کوچه های باریک و خانه ها عقب مینشینند. تب و تاب تظاهرات و قیام را در چشم همگان می خواندیم. اما نشانه هایی از سازماندهی یک قیام با نقشه وجود ندارد. وما تدارک اولین حمله را کامل کردیم. ما میدانستیم که حمله ما ممتابه کشیدن ضامن و آزاد کردن چاشنی خواهد بود.

میشندیم که نیروهای امنیتی رژیم خود را برای کشتار جمعی آماده کردند و بین خودشان گفته اند اگر تظاهرات بشود درس خوبی مردم خواهند داد. تانکهایشان را به خیابانها آوردند اما آنها نمی دانستند که با تظاهرات آرام و دست خالی مردم روبرو نمیشوند. انها میدانستند پیشمرگان در این نزدیکیها نیستند و خبر حرکت آنها به طرف مرزهای کردستان عراق وجود داشت. این به نیروهای رژیم دلگرمی میداد. اما کور خواندند. اولین ساعات صبح ۷ مارس اولین دسته های مسلح قیام از دوتا از محله های شمال و شرق شهر بطرف خیابانهای اصلی و مرکز شهر را افتادند. اولین تیراندازی افراد مسلح رژیم را با تیراندازی متقابل جواب داده شد و آنها

نسبتا غافلگیر شدند. نیروهای رژیم انتظار قیام مسلحانه را نداشتند.

شاید کمتر از یک ساعت طول کشید که کلیه محلات اطراف شهر از سربازان و پلیس رژیم تخلیه و پاک شد و نیروهای امنیتی در مقرها ومراکز خود سنگر گرفتند و با این ترتیب قیام مردم که گویی همگی از قبل آماده بودند سراسر شهر را پوشاند.

۱۶ اسفند (۷مارس)

خیابانها در دست مردم قیام کننده است. بخش زیادی از سربازان و افراد مسلح محلی به مردم پیوسته اند و اکثر جوانان شهر که در جریان جنگ کوییت مسلح شده بودند هم اسلحه هایشان را در آوردند و اسلحه های جدیدی هم که از نیروهای رژیم گرفته شده بین مردم تقسیم میشوند.

قیام مسلحانه خودبخودی و سازمان نیافته است. اینجا و آنجا کمونیستها و مبارزین و هواداران نیروهای مسلح اپوزیسیون حضور دارند و نقش مهمی دارند. اینها اغلب پیشمرگان سابق اند و استفاده از انواع سلاحها را بلدند بخصوص آر.پی.جی. اما جلوداران خود مردم اند بخصوص جوانان و جوانان.

امروز بعد ازظهر تعدادی نوجوان یکی از پایگاههای نیروهای رژیم را محاصره میکنند با دست خالی. و افراد رژیم بعد از تیراندازی چندی برای ترساندن بچه ها وقتی آنها را در پای خاکریز پایگاه میابند تسلیمشان میشوند و بچه هائیکه استفاده از تفنگ را بلد نیستند تفنگها را تحویل مردم میدهند. تا ساعت نزدیک غروب دو سوم شهر در دست قیام کنندگان است. اوایل شب آرام است و تیراندازی و حمله نهائی از ساعت چهار-پنج بعد از نیمه شب شروع میشود.

۱۷ اسفند (۸مارس)

ساعت چهار و سی دقیقه صبح با صدای آر پی جی قیام کنندگان و خمپارهای دشمن، شهر بیدار شد، شهری که آماده کارزار است.

حمله نهایی قیام کنندگان است. نیروهای امنیتی که مرگشان حتمی است میجنگند. در ساعات اول صبح حداقل ۱۶ جنازه مردم در خیابان جلو یکی از مقرهای نیروهای افراد رژیم افتاده بود که مردم نمی توانستند انها را جمع آوری کنند.

مبارزه سازمان نیافته است. تیراندازیهای بیمورد و هجوم های بدون سازمان با تلفات زیاد همراه است. تعداد کشته ها و زخمی ها لحظه به لحظه بیشتر میشود. بیمارستانها از زخمی و کشته پر شده اند. نزدیک ظهر هواپیماهای توپدار رژیم که از ارتفاع بالا تیراندازی میکنند به بالای شهر رسیده اند، تا ساعت ۱۲ ظهر قسمتهایی از محل تجمع مردم در اطراف مقرهای تسلیم نشده رژیم با توپ و راکت زده شد. و سرانجام ساعت ۱۲ و ۱۵ دقیقه ظهر آخرین سنگرهای دشمن که مقر نیروهای امنیتی به نام (امنه سووره که) که در زیرزمین هایش سلول های مخوف شکنجه وجود داشت، فتح شد.

شهر سرتا یاغرق شادی و رقص و پایکوبی بود. قیام مسلحانه پیروز شد و مردم زجر کشیده آلام چند ساله را فراموش کردند.گویی تازه از مادر زاده شده اند.

در جریان قیام انبارهای دولت مصادره شدند و اجناس بین مردم توزیع شد. مواد خوراکی توسط مردم مسلح

با تراکتور و تریلی در محلات فقیرنشین توزیع شد.

تعداد در شهر فریاد میزدند ما از هیچ همه چیز شدیم. ما حزب کارگری نداریم و پاکتهای سیگار را که از بزرگترین فروشگاه دولتی شهر صادره شده بهم تعارف میکنند.

حالا وقت آنست در مورد چه باید کرد بعدی بنشینیم و تصمیم بگیریم. این کارها شامل سازماندهی قدرت شورایی و تسلیح همگانی و وظایف شورا، شوراها، کارگری و قوانینی که فوراً اجرا میشود و برخورد کارگران به احزاب بورژوازی و جبهه (۱) آنها است. اینها تقریباً یک نقشه عملی برای قیام و بعد از پیروزی یعنی نتیجه آنست.

جا انداختن و عملی کردن این نقشه کار میخواید. آیا کارگران و توده های مردم دور آن جمع خواهند شد؟ این سوالی است که در حال حاضر جوابی برایش نداریم. باید برایش کار بشود.

۱۸ اسفند (۹ مارس)

ایده شورایی وسیعاً در شهر پخش شده است.

اعلامیه های کوتاه اما روشن در مورد وظایف پس از قیام پخش شده اند. در محلات فعالین جنبش شورایی مشغولند. اولین جلسات توده ای برگزار میشوند.

در کنار این، مقرات متعدد احزاب جبهه دایر شده اند. آنها دیروز و دیشب خود را به شهر رسانده اند و مستقر شده اند. همه چیز آماده است. قیام در شهر پیروز شده مردم آماده اند سازمان یابند، همه منتظرند تا ببینند وظیفه شان چیست؟ چه چیزی میماند و چه چیزی میروید.

از نظر احزاب «جبهه» چیز زیادی نباید تغییر کند. سازمان نظامی کردهای مزدور رژیم دست نخورده باقی مانده اند. حتی روسایشان که «مستشار» نامیده میشوند تشویق هم میشوند که گویا آنها هم در قیام نقش داشته اند. البته اینها که تزلزل رژیم و قدرت مردم را دیدند در آخرین لحظات مردم پیوستند. اما نه از سر انقلابیگریشان بلکه از فرصت طلبی تاریخیشان که همیشه چنین کرده اند و بین نیروهای مردم و دولت مرکزی در نوسان بوده اند. گاهی اینطرف و اغلب طرف رژیم و حالا فرصت غارتگری را هم یافته اند البته. مدیران ادارت و کارخانه ها بنظر میرسند ابقا شوند و دستورهایی از بالا و از رادیوی احزاب «جبهه» صادر میشوند. در این دستورها به مردم گفته می شود:

«سلاحها را بیاورید و تحویل مقرات جبهه بدهید؛»، «وسایل غارت شده را پس بدهید؛» که در عین حال معنی کارت معافیت مصونیت از مصادره انبارها و پول بانکهایشان است.

۱۹ اسفند (۱۰ مارس)

امروز مردم زیادی در خیابانها جمع شده اند. در محل درگیریها اجساد اینجا و آنجا افتاده است و هنوز جمع نشده اند. هنوز از ساختمانهای محل پلیس امنیتی و زندان دود بلند میشود. ردیف ماشینهای سوخته در حیاط افتاده اند و مردم مشغول گشتن در زیر زمینها برای یافتن زندانیها هستند.

زیر زمینها و سلولهای هولناک اطاقهای غناک، اطاقهای شکنجه با چنگکهای آویزان از سقف، صندلی الکتریکی- کابلهای پاره شده لباسهای پاره زنان- محل تجاوز به زنان و دختران، همه این ها اجساد سوراخ شده شکنجه

گرها با گلوله های مردم عصبانی را در حیاط قابل هضم و توجیه میسازند.

مردم از زیر زمینهای افسانه ای که هنوز کشف نشده حرف میزنند. به هر چیزی مشکوکند و با دست و بیل و کلنگ و بالاخره با ماشینهای مخصوص حفاری زمین را میکاوند. اما چیزی پیدا نمیکند. حیف از هزاران انسان مفقود شده!

بهنگام بیرون آوردن تسلیم شدگان از پلیس امنیتی زنی اجازه می خواهد بگردد و در میانشان کسی را پیدا میکند که بهنگام دستگیری به او تجاوز کرده و بالاخره او را میباید و مردم عاصی به جانش می افتند و او را از پا در میارن. از دختری نام می برند که در زندان سه بار حامله شده است.

محل زندان و ساختمانهای سوخته و اجساد متعفن از جمعیت موج میزند. در مرکز شهر تانکها و نفربرهای سوخته اینجا و آنجا افتاده اند و بچه ها از سرو کولشان بالا میروند.

موج وسیع مردم بطرف زندان براه افتاده اند غمی عمیق چهره ها را فرا گرفته، گویی خبری از شادی نیست. هنوز ابهام و ترس وجود دارد. یک علامت سوال. آینده چه میشود؟ آیا همه چیز تمام شده یا باز هم انتظار زندگی مخوف دیگری و شکست دیگری.

انتظار میرفت مردم در خیابانها بخوانند و برقصد ولی هنوز خبری از شادی نیست. تک و توکی زنان پیدا میشوند و بقیه مردان هستند. مردم یک سوال دیگر هم دارند و آن این که چرا روسای مزدوران (مستشاران) ابقا شده اند پس خیانتهایشان چه میشود؟ اینجا و آنجا هم انتقاد از زیاده رویها در مصادره ها است، مثل شکست و بردن وسایل مدارس و ادارت و شکست ماشینهای کارگاهها و کارخانه ها و بردن داروهای انبارهای دارو و بیمارستانها.

کسانی هستند که این اشتباه را بهانه میاورند تا کل مصادره ها انقلابی را زیر سوال ببرند و مردم را متهم به غارتگری و دزدی میکنند. عجب بیش می ای.

۲۰ اسفند (۱۱ مارس)

شوراها برپا میشوند

شورای چند محله تشکیل شده، دوستان امروز راضی اند. ساعت ۸ شب است بطرف منزل کارگری از دخانیات در محله شان را میافتم همراه یکی از دوستان پیاده میروم راه طولانی است و اینجا و آنجا تیراندازی هوایی مردم مسلح.

به خانه دوست کارگرمایان میرسیم. محفل کوچکی از کارگران، با چند کارگر و همسرانشان که همگی کارگر دخانیات اند گپ مفصلی میزنیم در مورد شورا. یکی از کارگرها که قدیم کمونیست است و آدم داغانی است که معتقد است کارگران نمیفهمند. مگر روشنفکرها کاری بکنند و میگویند اگر پیروز شویم حاضرم ۲۴ ساعت کار کنم. مایوس و بد بین است. روزهای قیام از خانه بیرون نیامده است با همسر و شش فرزندش. چندتای دیگر هم مذهبی اند اما شورا را میخواهند.

شرایط کار آنها در دخانیات اینطور است. هفت ساعت کار و هفت ساعت اضافه کار بدون دستمزد- تعطیلی آخر هفته ندارند. ۱۹۰۰ کارگرد فقط ۶۵۰ نفرشان خانه سازمانی و دولتی دارند و بقیه در شهر پراکنده اند. وقتی بازنشسته شوند خانه را از آنها میگیرند. اخیراً تعداد زیادی از خانه ها را به آنها فروخته اند. زن کارگری

می گوید: اگر وسط کار بخواهیم چند دقیقه ای استراحت کنیم با شیلنگ، آب زیرمان می ریزند که نتوانیم بنشینیم و برگردیم به سرکارمان.

توافق می کنیم برونند پای ایجاد شورا و خلع مدیر کارخانه و خیلی کارهای دیگر ... و برونند کارخانه را تصرف و اگر بشود راه بیندازند، اما درهرحال سنگر کارخانه سنگر شورا باشد. این هم اولین نطفه ایجاد شورای کارگری است.

آخراهای شب دختران بزرگ خانواده کارگری به اطاق ما می آیند. دو دانشجو و یک معلم و یک محصل و پسر بزرگ هم دانشجوی پزشکی است. او کمونیست است و هوادار یک جریان کمونیستی. دختران از اوضاع گله دارند. از محدودیت هایشان در خانه و توسط پدر و مادرشان که هردو کارگرند.

شب قبل هم در یک محفل زنان خون دل داشتند از عقب ماندگی و کهنه پرستی، دوتای آنها بخاطر شرکت در یک اجتماع عمومی توسط دایی شان کتک خورده بودند. مفصل صحبت کردیم. دست آخر یکیشان گفت من میروم و از این به بعد «مرد» می کنم... صحبت از شرکت وسیع زنان شد و ایجاد تشکلی برای زنان ولی هیچکدام تصویر روشنی و اعتماد به نفس و امیدی به این کار نداشتند و این هم نتیجه نسلها تبعیض و ستم و سرکوب جنسی حتی در خانواده.

۲۱ اسفند (۱۲ مارس)

یک دریا کار و آدم کم. چقدر کارگران و مردم قیام کننده تشنه کار و حرف و اقدام اند. چقدر ابهام دارند. نمیدانند چه کنند ولی آماده هرکاری اند. هیچ تصویر روشنی از شورا نیست. حالا بین فعالین جنبش شورایی، تا چه رسد به توده های کارگری و زحمتکش. اولین کار ما جمع کردن فعالین جنبش شورایی در یک مرکز است و ما دسته های قیام در سطح رهبران جمع می شویم و اولین تمرکز فعالین جنبش شورایی را بر پا می کنیم.

و حالداسته های قیام به «دسته های پیشبرد جنبش شورایی» تغییر نام و کار داده اند و پلاتفرم «قدرت شوراها» پلاتفرم مشترک مرکزیت است.

امروز اولین جلسه شورای کارگران دخانیات تشکیل می شود.

۲۲ اسفند (۱۳ مارس)

باید تصویر روشنی از شورا داده شود. شورا چیست؟ چگونه تشکیل میشود؟ چرا لازم است؟ افق و دور نمای شورا، امروز چه می کند، در آینده چه خواهد کرد؟ حکومت شورایی چگونه حکومتی است؟ جامعه چطور اداره میشود و چیزی های از این قبیل.

چند تر و توضیح در باره شورا باید فوراً نوشته و پخش گردند.

قبلا با مبانی شورا، شوراهای کارگری، رابطه شوراها و کارگران با احزاب غیر کارگری و پاره ای وظایف اساسی پس از قیام از جمله تسلیح عمومی، ابقای نیروهای مسلح حرفه ای. با مبانی شورا، شوراهای کارگری، رابطه شوراها و کارگران با احزاب غیر کارگری و پاره ای وظایف اساسی پس از قیام از جمله تسلیح عمومی، ابقای نیروهای مسلح حرفه ای و قانون کار، حقوق زحمتکشان، حقوق زنان، آئین نامه داخلی شورا لازم است نوشته

بشود.

و این کار را می کنیم. و به این ترتیب دسته مرکزی فعالین جنبش شورایی به مراکز شوراها در محلات و کارخانه ها وصل است و نمایندگان در آنجا حضور دارند و تقریباً در همه محلات بنکه های (۲) فعالیت جنبش شورایی اغلب متشکل از کارگران و جوانان مسلح تشکیل شده است. اینها در واقع مدافعین و محافظین شوراها هستند. اما هنوز تا شوراهای واقعی و توده ای فاصله داریم و کار میرود.

از جانب احزاب جبهه هیچ حرفی برای مردم وجود ندارد. آینده چه میشود؟ بکجا میرویم؟ آنها چه می کنند؟ حاکمیت چه می شود؟ از نظر آنها حاکمیت تامین است: حاکمیت احزاب مسلح جبهه و تمام. اما کارگران و مردم در اجتماعات و مجامع عمومی و در شوراها، در بنکه ها، در محافل، در منازل، در کوچه ها و خیابانها صحبت و از دخالت خودشان در سرنوشتشان می کنند. اما هنوز سخت است پذیرفته شود که شوراها همان حاکمیت است. برای احزاب جبهه هم حاکمیت مردم اصلا و ابدا قابل تصور و قابل قبول نیست.

فعالین شورایی در کارگاه ها و کارخانه ها و محلات تلاش می کنند توده های هر چه بیشتری را در شوراها جمع کنند و به مردم بگویند که دخالت یعنی شورا و شورا هم یعنی حاکمیت مردم. یعنی آزادی، نان، کار و درمان و بهداشت و

تا حالا شوراهای بیشتری بوجود آمده اند درمحلات و درمیان کارگران- اما هنوز شوراها کاملاً توده ای نیستند. تب و تاب شوراسازی زیادی است. در خیلی از محلات جوانان و زحمتکشانی دور هم جمع میشوند و بنکه شورا درست می کنند تا بعد به تشکیل شورا از توده ها بپردازند.

شورای کارگران شهرداری و آب و برق خطوط قانون کار را تصویب می کنند و از امروز اعلام میکنند ۳۵ ساعت کار میکنند با تعطیلات پنج شنبه و جمعه ها.

۲۳ اسفند (۱۴ مارس)

اخبار آزادی شهرهای دیگر میرسد. از جمله شهر «ارییل» و این به شور و شوق و اطمینان خاطر مردم افزوده است. قیام در «ارییل» شبیه قیام در سلیمانیه بوده است، اما با تلفات کمتر. مجموع تلفات مردم در هردو شهر حدود ۵۰۰ کشته و همین اندازه زخمی بوده است و تلفات نیروهای امنیتی رژیم بیشتر از اینها.

۲۴ اسفند (۱۵ مارس)

برای حضور در یک جلسه شورا راه می افشیم. در محله ای با حضور حدود ۱۰۰۰ نفر که در مسجد و حیاط و جاده های اطراف جمع شده اند، در باره شورا گفتار کوتاهی داشتیم. تعدادی برای نمایندگی شورا داوطلب شدند. امکان رای گیری با ان جمعیت زیاد نبود و اصلاً لازم هم نشد. چون کسی اعتراضی نداشت.

بعد از این تجمع، ساعت ۷ شب به طرف محله کارگران قند و شکر راه افتادیم در مسیر تجمعی را دیدیم. پرسیدیم گفتند جلسه تشکیل شورای کارگران خیاطی (البسه) است که همه شان زن بودند. تجمع شلوغ و بی نظمی بود. بیشتر بی نظمی از طرف حواشی تماشاچی کارگران خیاط بود. از فعالین شورایی خواهش کردیم حواشی را مرخص کنند و درب سالن را ببندند و حرفهایشان را بزنند. (زنان و دختران جوان از حضور تماشاچیان در اطراف راحت نبودند).

از آنجا به محله کارگران قند و شکر و بعد از آن به محله کارگران دخانیات رفتیم. ساعت ده شب بود شش نفر کارگر و از فعالین شورا حضور داشتند. بحث در باره شورا تا ۱۲ شب طول کشید. شام را نان و چای شیرین خوردیم. آن روزها کم تر چیزی برای خوردن پیدا می شد. به طرف مقر هیات نمایندگی راه افتادیم و در آنجا در مورد سازماندهی توزیع نیازهای مردم، تشکیل صندوق، درخواست کمک از ثروتمندان، مسکن برای بی مسکن ها و ... حرف زدیم و تقسیم کار شد تا هر کسی به شوراها کارگری و محلات برود و کار را شروع کنند.

۲۵ اسفند (۱۶ مارس)

امروز قرار است متینگ راه پیمایی مناسبت سالروز حلبجه برگزار شود و من عازم اربیل هستم برای یک تماس و هماهنگی. در مسیر جاده ستون درهه شکسته نظامی را میبینیم. ماشینهای نفربر و تانکها و توپها سنگین در هم شکسته یا سوزانده شده اند. ساعت پنج بعد از ظهر در اربیل هستیم. خانه دوستان ما را بگرمی پذیرفت یک زن کارگر بیوه با یک پسر دانشجو که اغلب اخمهایش توی هم است و یک عروس خوشرو و مهربان و چهار دختر که بزرگترین آنها دانشجو و بقیه محصل هستند. یک ساعت بعد بطرف خانه دوست کارگری راه افتادیم. او در منزل نبود. بعد از گشتی در شهر بطرف محله کارگران دخانیات راه افتادیم.

شهر هنوز در گيجی و ابهام روزهای قیام بسر میرد. جنگ در کرکوک در نزدیکی اربیل پیروزی را برای مردم نامطمئن ساخته بود. مقرات زیادی مربوط به احزاب سیاسی وجود دارند. ماشینهای سنگین و تانک و نفربرها سالم یا شکسته در خیابانها وجود دارند هنوز آثار چشمگیری از تحرک توده ای بچشم نمیخورد. مردم زحمتکش از مصادره ها چیزی زیادی نصیبشان نشده کماکان ثروتمندها و ماشین دارها اجناس را برده اند و نیروهای احزاب جبهه هم در مسیر مردم اجناس مصادره شده را پس گرفته اند اگر زحمتکشی دو کیسه برنج داشته یکیش را پس گرفته اند.

ساعت هفت در یک جمع کارگری در محله کارگران دخانیات اربیل هستیم. بحث از قیام و جنگ و چه باید کرد است.

یک کارگر که سابقه مبارزاتی داشته و شرکت انگلیسی دخانیات تلاش کرده او را بخرد اما موفق نشد، در جمع ماست. کارگران او را دوست دارند و او هم چیزهای زیادی سرش می شود.

بزودی جمع ما بیست نفر میشود و بحث شورا. کارگران بنوبت از شرایط کارشان در دخانیات حرف میزنند. یک کارگر پیر گفت که این روزها بازنشسته می شود و شرکت از او خواسته خانه را تخلیه کند. این جزو مقررات دولت است که کارگران بازنشسته باید خانه دولتی اجاره ای را ترک کنند. صحبت از ساعت کار طولانی شد و دستمزد کم. شرکت می خواسته ۲۵ نفر از کارگران را اخراج کند و اعلام می کند اگر این کارگران حاضر شوند به شمال شرقی در مرز بین سوریه بروند اخراج نخواهند شد و آنها ناچارا خانه و زندگی را ترک و به آنجا میروند. آنجا یک کارخانه مواد شیمیایی است. در مجموع کارگران به نیروی خود باور نداشتند و باز هم صحبت از نقش روشنفکران کردند. اما در هرحال با شورا موافق بودند و با قانون کار جدید و باحذف مدیر و با دخالت در امور کارخانه و به این ترتیب نطفه شورا بسته شد. ما اطلاعات لازم و تجربیات و چم و خم کار را چه شفاه و چه با نوشته در اختیارشان گذاشتیم. علاوه بر کارگران فرزندان آنها هم که اغلب تحصیلکرده و چپ بودند حضور داشتند. نصف شب بمنزل اول برگشتیم منتظر ما بودند و گپ و صحبت قیام و شورا و کار و

بار تا نزدیکیهای صبح- دوست کارگرمای هم در آنجا منتظر مان بود و حرفهایمان را زدیم....

۲۶ اسفند (۱۷ مارس)

امروز صبح قبل از مراجعت ملاقاتی کوتاه داریم با دوستانی در یک بنکه مرکزی شورا- در اربیل هم این مرکز بوجود آمده. ساعت ۱۱ صبح بطرف رانیه و بعد سلیمانیه براف میافتیم. خانواده میزبان از رفتن ما دلتنگ شدند فقط چند ساعتی از آشنایی ما گذشته بود. می پرسند، کی بر میگردیم؟ و ما نمیتونیم وعده ای بدهیم... متینگ عظیم روز قبل در سلیمانیه در دست شورا و فعالین جنبش شورای بوده. نمایندگان شوراها کارگری و محلات سخنرانی کردند. احزاب بورژوازی مزاحمتها فراهم کردند اما بیفایده بوده. از طرف بنکه مرکزی شوراها بیانه حقوق زحمتکشان قرائت شده و به تصویب مردم رسیده است.

تعرض تبلیغاتی به شوراها و از طرف جبهه

عصر امروز رادیو جبهه اعلام می کند که شوراها باید منتفی شوند و بجای آنها باید انجمن های محلی گذاشته شوند، انجمنهایی که از بالا و با تأیید جبهه انتخاب میشوند. امروز جنب و جوش وسیعی بین کارگران و مردم شهر و بخصوص فعالین جنبش شورایی بوجود آمده است. بعد از ظهر جلسه نمایندگان بنکه مرکزی شوراها با نمایندگان شوراها کارگری و محلات به نتیجه مطلوبی نرسیده است. نمایندگان بر سر انتخاب تاکتیک و پاسخ به تعرض جبهه در مورد اعلام الغا شوراها اتفاق نظر کامل ندارند.

صبح این روز دو تن از نمایندگان بنکه مرکزی به مقر اصلی جبهه میروند و توضیح میخواهند. اما خوب تحویلشان نمیگیرند. یکی از نمایندگان می گوید: این آخرین بارتان باشد با نمایندگان مردم اینطور رفتار می کنید، خیال نکنید با مشتی بچه طرفید. با شوراها طرفید. فهمیدید. پس از اعتراض به اعلامیه رادیویی شان در مورد انحلال شوراها از مقر خارج میشوند. طرف صحبت نمایندگان از آنها معذرت می خواهد. چند ساعت بعد از طرف جبهه نامه ای به دفتر مرکزی شوراها میرسد که خواستار مذاکره می شوند. بالاخره جلسه نمایندگان با رای گیری در مورد مذاکره و تظاهرات همزمان خاتمه می یابد. ۱۱۰ رای موافق و ۳۶ رای مخالف.

ساعت ۸ شب با سه تن از رهبران و فعالین دفتر مرکزی شوراها قرار داریم. ملاقات و گفتگوی ما با آنها چهار ساعت طول کشید و سر خطوط آتی کار توافق داشتیم: مذاکره از موضع قدرت و بدون نشان دادن ضعف. اگر توازن قوا مناسب باشد راه پیمایی همزمان با مذاکره- اگر نیوری کافی جمع نشد راهپیمایی نشود. وبالاخره یک اعلامیه اعلام موضع شوراها و پاسخ به اعلامیه رادیویی جبهه نوشته شد و در مورد ادامه فعالیت جدی تر برای گسترش و تحکیم جنبش شورایی.

۲۷ اسفند (۱۸ مارس)

صبح امرو در جلسه کوتاه نمایندگان شوراها ۵ نفر برای مذاکره انتخاب می شوند و فراخوان راهپیمایی بدون نقشه اینجا و آنجا در میان کارگران و مردم محلات می پیچد. اما پاسخ جدی نمی گیرد. کار جدی برای بسیج مردم صورت نمی گیرد. صبح کارگران دخانیات حدود ۴۰۰ تن در جلسه شورای هودشان فرمان الغای شوراها

را محکوم می کنند و بعد از جلسه دست به راهپیمایی می زنند و در جلو مقر اصلی جبهه اجتماع می کنند. این اجتماع همزمان است با جلسه مذاکره نمایندگان شوراها با نمایندگان «جبهه».

کارگران قطعنامه ای به جلسه می فرستند مبنی بر محکوم کردن اعلامیه رادیویی و پشتیبانی از شوراها. بعد از ظهر هم جلسه شورای نمایندگان خیاط به راهپیمایی مشابهی میانجامد و اجتماع جلو مقر جبهه و این همزمان است با اواخر جلسه مذاکره.

مذاکره به نتیجه نمیرسد. نمایندگان جبهه حقه ای بکار میگیرند و تعدادی از هواداران خود را که نماینده شوراها محلات هستند به جلسه مذاکرات دعوت میکنند. پنج نماینده واقعی اعتراض می کنند که اینها را برای چه آوردید و آنها میگویند که اینها هم مثل شما نماینده هستند. بر سر ماندن یا رفتن از جلسه بین ۵ نماینده اختلاف میافتد و اکثریت می گویند اشکالی ندارد بگذار آنها هم باشند و مذاکره چند ساعته خسته کننده و بی نتیجه شروع میشود.

نمایندگان جبهه در باب دمکراسی ساعتها حرف می زنند و اکثر نمایندگان هم با کرنش و دست به سینه حرفی نمی زنند. تنها دو نماینده از پنج نماینده واقعی به صحبتها و روال جلسات اعتراض میکنند و اعلام می کنند ما نظر شوراها را نوشتیم و قبل از آمدن به جلسه هم پخش کردیم شما یا حرفتان را که از رادیو زدید پس می گیرید و یا با شوراها در می افتید. نمایندگان جبهه اعلام می کنند که کماکان سر حرفشان هستند و شوراها باید منحل شوند.

یکی از نمایندگان واقعی از جلسه خارج شده و به میان کارگران خیاط و مردمی که اطراف آنها در جلو مقر جبهه جمع شده میاید و نتیجه مذاکره را اعلام میکند، او میگوید: نماینده های شما سازش کردند. آنها به شما خیانت کردند مردم باید فوراً این نماینده ها را عوض کنند و کارگران و مردم همانجا رای به اخراج آنها می دهند.

از طرف دیگر از جانب جبهه اعلام میشود که مدیرهای کارخانه ها را عوض میکنیم (غیر رسمی)، برای اجناس نرخ گذاری می کنند. چهار میلیون دینار از سرمایه داران شهر گرفته اند تا حقوق کارمندان را بدهند. اما برای کارگران هیچ حرف و اقدامی در بین نیست.

یکی از نمایندگان جبهه در جلسه مذاکره با نمایندگان شوراها میگوید: کارگران حالا باید ۲۴ ساعت کار کنند چون برای خودشان کار می کنند. و دیگری گفته حالا دور دور کارگر نیست دور دور دمکراسی است. حالا وقت کار است. وقت بازسازی است. همه باید کار کنند!

۲۸ اسفند (۱۹ مارس)

جبهه عملاً به شوراها حمله می کند.

- رهبران شورا متهم می شوند، از قبیل اینکه همکار رژیم اند- بد اخلاق و فاسدند خائن اند و ...

- تجمع اهالی شهرک نصر و جلسه شورای آنها را با تیراندازی از بالا سر مردم میخواهند بهم بزنند.

- از تجمع اهالی شهرک «با زبان» بلندگوهایشان را میگیرند.

- بلندگوی شورای محله «ملک کندی» را میگیرند.

افراد مسلح را جلو کارخانه میگذارند. افراد مسلح در بیمارستان مواظبند کارگران و کارکنان تجمع نکنند. دختری

را که می خواسته برای کارگران صحبت کند را به زور می خواهند از بیمارستان بیرون کنند ولی کارکنان خواستار حضور و ادامه صحتهایش می شوند.

حزب کمونیست عراق زیرجلگی اعلام می کند موافق شورا است اما مشروط.

حزب سوسیالیست کردستان (پاسوک) هم شورا میخواهد اما به شرط قبول جمهوری کردستان (معلوم نیست این جمهوری چیست).

بعد از جلسه مذاکره دیروز بین اعضای شورا مرکزی اختلاف میافتد و انشعاب می کنند. هشت نفر سر دفاع از شورا محکم می ایستند سی نفر خواستار ادامه مذاکره و سازش اند حتی به قیمت تن دادن به انجمن محلی بجای شورا. و ۸ نفر بیرون میایند و باین ترتیب بنکه مرکزی شوراها دوتکه میشود. ساعت هشت شب با سه نفر عضو اصلی از هشت نفر انشعابی بحث مفصلی داشتیم. از فراخوان برای راهپیمایی انتقاد شد. مردم کمی جمع شده بودند و «جبهه» هم در مقابل بهمان اندازه فالانژ جمع آوری کرده و به تحریک پرداخته بود.

جمعیت ۵۰۰ نفره شوراها و ۵۰۰ نفر جبهه علیه یکدیگر شعار دادند - شعار جبهه ایها: چی تان ده وی کورده کان - هه لوه شاننده وی شوراکان (۳)، شورا شورای چیتانه - میلیه ت رقی لیتانه (۴) و شعار شورایی ها: چی تان ده وی کریکار - سی و پنج ساعت کار (۵)، حکومتی شوراکان یا قرارگای رمضان (۶)

قبلاً قرار داشتیم که راهپیمایی و تظاهرات بشرطی است که بتوانیم نیرو جمع کنیم و بالاخره قرار شد:

۱- به میان شوراها برویم و برای گسترش و تحکیم آنها کار کنیم.

۳- نمایندگان شوراها به جلسه ای دعوت شوند و موضوع رسمی شوراها را اعلام کنند، بعلاوه مواضع و مبانی جنبش شورایی را رسماً اعلام کنند.

۴- برای ایجاد شورای نمایندگان کارگران و حتی الامکان نمایندگان شوراها محلات هم کوشش جدی بعمل آید.

۵- و بالاخره از راه اندازی آکسیون خودداری شود. اما از شورا دفاع جدی بعمل آید.

۲۹ اسفند (۲۰ مارس)

با صدای اولین تیراندازی بخاطر شب عید نوروز خسته و بیحال از اطاقم خارج شدم. شهر بزرگ کرکوک هم توسط مردم تصرف شده. دیگر پیروزی از نظر مردم کردستان تکمیل شده است. شادی و شور به اوج خود رسیده است. اما جنبش شورایی و فعالین جنبش شوراها با همه شیرینی پیروزی، تلخی ای را در گلو خود احساس می کنند و نگرانی در عمق چشم هایشان، نگران آینده شوراها و دشمنی جبهه با آن، اما امید به پیش رفتن از ما کار بیشتری می طلبید.

اعلامیه در مورد رابطه شوراها و نیروی پیشمرگ باید نوشته شود - تعرض جبهه به شوراها باعث شده که مردم برخورد سرد و دور از انصافی به خود پیشمرگان بکنند. در این جا پیشمرگ مقصر نیست. آنها قربانی سیاست احزاب بورژوایی و ناسیونالیسم بی افق و بی خاصیت آن هستند...

۱ فروردین (۲۱ مارس)

تعرض و تهدید جبهه ادامه دارد. از بلندگو اعلام کرده اند که هر کس به شوراها مراجعه کند مجازات میشود. زنی را برای انتصاب به انجمن محله دعوت می کنند و او می گوید: اگر شورای محله به او رای بدهد انجمن

می شود و گرنه حاضر نیست.

افراد چپ و کمونیستها زیر کنترل پلیسی قرار میگیرند و مانع از حضور آنها در میان کارگران می شوند. و آخرین خبرها اینست که تعدادی از اعضا و کادرها و پیشمرگان «جبهه» به تعدیات جبهه علیه شوراها اعتراض دارند. و مهمترین خبر اقدام امروز انتخاب نمایندگان شوراها بطور رسمی است.

در نوروز همه غرق شادی و جشن اند. تنها کسانی که از این شادی و جشن محروم اند نمایندگان شوراها هستند که امروز هم جلسه گرفته و رسماً شورا نمایندگان را انتخاب می کنند.

۲ فروردین (۲۲ مارس)

جلسه نمایندگان شوراها برگزار شده - کمیته ای ۱۳ نفره برای هدایت و متمرکز کردن کارها انتخاب شده، دوستان ما این کمیته را کمک می کنند و قرار براین است فردا در جلسه ای برنامه و خطوط کار کمیته بررسی و تصویب بشود - این برنامه توسط دوستان ما به کمیته پیشنهاد می شود.

علاوه برآن قرار شده اطلاعیه ای خطاب به نیروی پیشمرگ داده شده و به پشتیبانی از شوراها فراخوانده شوند. در همین جلسه گسترش فعالیت شوراها و دخالت در امور اجرایی محلات و کمک به فقرا بیچیزان از طریق صندوق تعاونی و ثروتمندان مورد تاکید قرار میگیرد.

یکی از دوستان ما به کرکوک رفته. او اصلاً کرکوک است و تجارب فعالیت شورایی دوهفته ای سلیمانیه را هم با خود برده است. بینیم چکار میکند. مساله ارتباط با او جدی و مهم است و هماهنگ کردن و یکپارچه کردن فعالیت شوراها.

۳ فروردین (۲۳ مارس)

امروز در نشست جمع رهبران و فعالین جنبش شوراها اوضاع را برسی کردیم.

کارخانه ها توسط افراد مسلح جبهه قرق شده و تنها کارگران حق ورود به کارخانه را دارند و حق تجمع ندارند. «جبهه» یک اطلاعیه تهدید آمیز داده و گفته: شوراها بدون اجازه و اطلاع «جبهه» باید برداشته شوند و کسانی که به شورا مراجعه کنند مجازات میشوند و در آخر اطلاعیه آمده است که: «البته این به معنی مخالفت با آزادی بیان و عقیده نیست!!»

امروز جلسه نمایندگان شورا تشکیل شده، با ۲۳ عضو - ۱۱ عضو شوراها کارگری و محلات و ۱۱ عضو محلات و با دعوت رسمی از ما (دونفر) برای شرکت در جلسه.

در جلسه ۴ برنامه و قطعنامه پیشنهاد شده و پس از بحث و بررسی آنها به تصویب کمیته میرسد. کمیته یک اطلاعیه هم خطاب به مردم و نیروهای پیشمرگ می دهد، با این مضمون که شورا وابسته به هیچ حزب و گروهی نیست - شورا خواهان آزادی بی قید و شرط است. شورا با احزاب جبهه و نیروی پیشمرگ دشمنی ندارد و خواهان پشتیبانی آنها از شوراهاست...

کمیته یک هیئت روابط خارجی و یک کمیسیون برای انتشار نشریه انتخاب می کند.

دوستان ما و اعضای اصلی کمیته جلسه تشکیل داده و نقشه فعالیت خود را با جزئیات تعریف کرده اند که خطوط آن: کار با کمیته نمایندگان شوراها، فعالیت محلی شورایی (کارخانه ها و محلات)، تلاش برای کمک به

معیشت مردم گرسنه از طریق خرید وسایل ضروری از مرزها و توزیع در محلات از طریق شوراها محلات- ایجاد دفتر بیکاران- کمیته زنان- مرتبط کردن فعالین و رهبران کارگری و جنبش شورایی - تحویل سلاح به کمیته مرکزی شوراها - کمک به کارگران بازنشسته- ایجاد صندوق تعاونی- ایجاد شورای کارگران منطقه صنعتی (کارگران کوچک نزدیک بهم)- تعیین خطوط تبلیغی برای فعالین و آرایش درونی خود شان و تقسیم کار.

ضمناً مسایلی از این قبیل مطرح شد که اگر از طرف جبهه به بنکده ها حمله شد - در محلات اجتماعات کماکان برپا نگهداشته شوند - اگر حمله به شوراها کارگری ادامه یابد، از محلات کارگری بسیج برای خنثی کردن و قرق کارخانه ها و اعتصاب کارگری و تشکیل کمیته اعتصاب.

تعدادی از دوستانی که از دسته سابق «دسته پیشبرد جنبش شورایی» جدا شده اند مجدداً به فعالیت بر میگردند و به اشتباهاتشان در مورد جبهه اعتراف می کنند.

و دیگر تصمیمات:- بشکل محافل بهم پیوسته و تقسیم کاری بین خود و نوعی کار کمیته ای محفل اصلی و دورغای کنفرانس رهبران کارگری شوراها برای تدارک یک سازمان کارگری.

-کمیته نمایندگان شوراها باید با نمایندگان بیشتری از کارگران تقویت شود - اکثریت با کارگران باشد.

-برای تصویب سیاست کارگری و رادیکال در کمیته و شوراها باید اکثریت کارگری حاصل شود.

-اگر انجمنهای محلی از بالا تشکیل شد آلترناتیو شورا زنده نگداشته شود تا انجمنها منزوی و عملاً منحل گردند.

بحث تشکیل دولت موقت از جانب اپوزیسیون سراسری و جبهه کردستانی است.

-در برخورد به دولت موقت قرار شد ۱- تبلیغ آلترناتیو توده ای، شورا ۲- دخالت در امور اجرایی و اداره امور کار و زندگی در کارخانه و محلات. در این رابطه احتیاج به بررسی مشخص هست. دوستان می گویند دولت موقت دست نشانده آمریکا خواهد بود.

-و بالاخره ارتباط سراسری و تشکیل کمیته هماهنگی سراسری همه ی شهرهای کردستان

نشست ما نصف شب به پایان رسید

ارییل: شوراها گسترش میابد. پارتی (حزب دمکرات کردستان عراق) گفته موافق شورااست تا بدینوسیله مخالفت خود را با بزرگترین حزب جبهه که قدرت را قبضه کرده اعلام کند. حزب شیوعی غیر رسمی گفته است که موافق شورااست اما چون در جبهه است رسماً نمی تواند موضعگیری کند. در کرکوک هم مردم گفته اند نمی گذاریم جبهه خود را تحمیل کند.

۶ فروردین (۲۶ مارس)

-کارگری می گوید: این اولین بار است در انقلاب عراق کردیه تی و کرد بودن کمزنگ است. صحبت از کارگر میشود و این مدیون فعالیت شورایی است. ما بحساب میائیم و خودمان هم می دانیم.

-در یک جمع پیشمرگان در یکی از مقرات جبهه اکثری می گویند بحث کارگر و شورا چیز تازه ای است و ما پیش بینی نکرده بودیم.

در حالیکه شوراها در شهر کرکوک گسترش می یابند و اخبار آنها میرسد و در حالیکه شهر ارییل شوراها زیر فشار قرار دارند شوراها سلیمانیه بدلیل کارشکنی های زیاد جبهه فعالیتشان کند شده و دچار رکود گشته اند. توده مردم از ترس ایجاد اختلاف و تفرقه و نگرانی از آینده چه به لحاظ یورش مجدد دولت و

چه بلحاظ تثبیت احتمالی احزاب جبهه و اذیت و آزارهای بعدی در فعالیت شورایی دچار سستی شده و کمتر سراغش را میگیرند.

چند بنکه مسلح شوراها تعطیل شده.

کارخانه ها کماکان در قرق افراد مسلح جبهه است و از ورود افراد غیر کارگر بداخل جلوگیری بعمل میاید. حتی نمایندگان شوراهای کارگری را هم نمیگذارند بداخل کارخانه بروند و آنها را تهدید کرده اند. نمایندگان شورای کارگری دخانیات بجز یک نفرشان گفته اند که استعفا می کنند. مدیر دخانیات «عزیز خوشنوا» ابقا شده و علیرغم مخالفت کارگران بهمراه افراد مسلح جبهه به کارخانه میرود او چند بار توسط کارگران اخراج شده و فراری داده شده بود. و به این ترتیب در این روزها شور و شوق کمتری در چشمان فعالین شوراها و توده های مردمی که دارند دخالتگری شورایی را تمرین می کنند و می آموزند، دیده میشود. بیم آینده بیشتر شده و به این دلیل است که شعارهای ناسیونالیستی و کردایتی و تهییج های بی محتوای تبلیغات رادیویی جبهه کسی را خوشحال نمیکند و به هیجان نمی آورد و بسیج نمی کند و این خطر بزرگی برای قیام و انقلاب و دفاع از آن است. این وضعیت در شهر سلیمانیه در حالست که عربها و کردها و ترکمن ها در کرکوک در مجامع عمومی با هم اند و در شورای محله یک زن عرب نماینده شده و اخبار شوراها به عربی و کردی پخش میشوند و شوراها دارند خود را برای دفاع در مقابل حمله رژیم مسلح میکنند. زمزمه حمله رژیم به کرکوک هست. دولت تمرکز بزرگی از نیروهایش را به کرکوک آورده است.

۷ فروردین (۲۷ مارس)

دولت به کرکوک حمله کرده و کرکوک برای مقابله آمادگی ندارد. شوراها هنوز حسابی پا نگرفته اند و نیروی مسلح جبهه هم پراکنده و سازمان نیافته است اما شوراها و مردم مصمم اند بجنگند. با آغاز حمله به کرکوک مردم زیادی از شهر خارج شده اند و تعداد نه چندان کمی هم به سلیمانیه رسیده اند. ساعت ۷ بعد از ظهر در منزل یک زن و مرد که کودکی پنج ماهه دارند منتظر تعدادی از دوستان هستیم. اینجا همه چیز شلوغ و درهم برهم است و صاحبخانه زن و مرد به دورو بر خود اهمیت نمی دهند و انگار اصلا نمی بینند و هر کدام ذهن شان درگیر مشغله و دغدغه های بسیار است. ساعت نه شب دور هم جمع میشویم. هفت نفر. ابتدا اخبار:

-نمایندگان کارگران شهرداری ۳۰ دستگاه آپارتمان خالی دولتی را به کارگران بی مسکن داده اند و جبهه اعتراض کرده و کارگران ورقه شورا را نشان میدهند و پیشمرگان می گویند که قبول نیست و آنها گفته اند رای شورا برای ما کافی است. هنوز قانون کار مصوب شورا عملی نمی شود. امروز پنج شنبه کارگران بسر کار رفته اند.

-مدیر کارخانه سیگار توسط جبهه ابقا شده و هر روز با اسکورت مسلح جبهه به کارخانه میرود. نمایندگان شورا مایوس شده و اکثرا پس کشیده اند تنها یکیشان باقیمانده - کارگران هنوز از شورایشان دفاع می کنند. کارگران به هشت گروه تقسیم شده و هر روز یک گروه به کارخانه میرود برای تعمیرات.

-کارگران البسه جلسه شورایشان را ادامه می دهند. مدیر با دونفر مسلح خواسته در یکی از جلسات شرکت کند اما کارگران راهش نداده اند. مدیر سه میلیون و هفتصد هزار دینار پول نقد کارخانه را به جبهه تحویل داده کارگران خواستار آنند. کارگران بشدت مشغول راه اندازی کارخانه اند و بعضی از چرخ های خیاطی را از کارخانه پس گرفته اند. کارخانه و انبار پارچه که باقی مانده در دست خودشان است. امروز تعدادی از کارگران مرغداریها دور هم جمع شده اند. صاحب کار ایشان را تهدید کرده که اگر شورا تشکیل دهند اخراج خواهند شد. اما کارگران مصمم اند با سایر مرغداری ها بر سر شورا به مذاکره بپردازند. در جلسه امروز کارگران مرغداریها یک نماینده البسه حضور داشته و از طرف شورای خود از آن ها پشتیبانی کرده. کارگران البسه اکثرا زن هستند. کارگران مرغداریها هم همینطور. در جلسه کارگران مرغداریها که در محل شورای کارخانه سیگار تشکیل شده یک زن کارگر سیگار حرف زده و گفته: مدیران سابق را آورده اند، قوانین سابق اجرا میشود، مثل سابق زور میگویند، تنها رئیس دولت سابق مانده که برگردانند او را هم میاورند.

-بنکه های محلات و شوراها کماکان مورد تعرض افراد جبهه قرار میگیرد - بنکه شورای «ز ه رگه ته» (۷) را دو بار بسته اند اما کارگران با پوشش بهداری که در محل بنکه است کماکان جمع میشوند - به شورای «خه بات» (۷) تعرض شده و یک اطاق از محل بنکه را اشغال کرده اند برای کارشکنی و دخالت. به شورای «سیون» (۷) هم تعرض شده و بلندگوی بنکه را برده اند و تهدید کرده اند - افراد پاسوک پوسترها و پلاکاردهای بنکه مللک کندی (۷) را از دیوار کنده اند. اما شوراهای محلات و بنکه ها کماکان کار می کنند البته با دلسردی. در محلات آواره های جنگ کرکوک را اسکان می دهند و خوراکی و پول و وسایل برایشان جمع کرده اند. اسامی بیکاران محلات را می نویسند و آمار بی مسکن ها را، در فکرایجاد تعاونی مصرف و صندوق تعاونی و توزیع خوراکی به قیمت ارزان هستند. درمانگاه ها کار می کنند. در یک محله سلمانی دایر کرده و مجانی اصلاح می کنند. امروز ۴۰ نفر مجانی اصلاح شده اند. افراد پاسوک کارگران سلمانی را تحقیر کرده اند و آنها هم پاسخ داده اند. همچنین افراد پاسوک وسایل جمع آوری شده برای آوارگان را در محله مللک کند ضبط کرده و خود به تقسیم آن پرداخته و شاید حیف ومیل کرده اند، به مردم محله گفته اند شما نباید دور و بر آواره ها بپلکید....

-کمیته مرکزی نمایندگان شورا امروز جلسه گرفته اند و تصمیم گرفته اند برای ایجاد تعاونی مصرف صندوق دایر کنند و از مرز خوراکی ارزان بخرند و توزیع کنند. به وضع بیکاران رسیدگی کنند. دسته های مسلح شورا را به جنگ کرکوک بفرستند. روزنامه شورا را در بیاورند....

هنوز با احزاب جبهه مذاکره نکرده اند، اختلافاتی با هم دارند، عده ای می گویند بنکه ها را ببندیم (رای نیاورد) و یکی گفته جبهه چپ درست شود اما توافقی حاصل نشده. بحث اساسی ما امشب حمله دولت به کرکوک است و مساله جنگ مقاومت- بقیه مسائل تقریبا فرعی شده اند- اما اصل بحث:

در شورا و در کمیته دو نظر هست:

۱- نظریه پاسفستی که می گوید شوراها ضعیف اند به ما تعرض شده و مردم دلسردند جنگ کار مردم است

و ما قدرت بسیج نداریم.

۲- نظریه دوم (اکثریت) با شروع حمله مساله مقاومت اولویت ماست و وظیفه شوراهای سازماندهی مردم برای مقاومت است. اگر این کار نشود شوراهای دیگرخاصیتی ندارند. نمی توان صحبتی از شورا کرد و جلسه شورا گرفت و دیگران برون و بجنگند - کارگران و اعضای شورا باید بهترین جنگجویان و سازماندهندگان جنگ مقاومت و دفاع از قیام و انقلاب باشند. این تنها راه دفاع از شورا هم هست. این نظریه غالب است.

۸ فروردین (۲۸ مارس)

یک بحث کوتاه: ارزیابی از وضع کنونی و وظایف شوراهای:

جنبش شورایی روحیه مردم را بالا برد و میدان آورد. ناسیونالیستها جبهه به شورا تعرض کردند و مردم را میوس و سست نمودند- آنها گفتند شما بشینید ما درست می کنیم- چند هفته عمر شورا جانی به مردم برای ادامه انقلاب داد و «جبهه» ان را تضعیف کرد. افراد مسلح جبهه تمایلی به جنگ علیه حمله رژیم و ندارند. به مردم و شوراهای هم کاری ندارند جز مزاحمت و اذیت و آزار. حالا ریاکارانه میگوید سلاحهایتان را بیاورید به ما بدهید تا بجنگیم، گویا مشکل کمبود سلاح است. در حالیکه بطور واقعی مشکل ننگیدن، سازماندهی نامناسب، ناهماهنگی، فرار از جبهه و ناتوانی در جمع آوری افراد مسلح بخصوص جاشهای سابق است. در یک فراخوان به ۱۵۰۰ نفر از عشایر و همکاران سابق دولت، فقط ۱۵۰ نفر حاضر شده اند و تا به جبهه رسیده اند فقط ۴۰ نفر باقی مانده اند.

اگر حالا شوراهای و نمایندگان و ما فعالین جنبش شورایی نمی توانیم توده ها را به پشت شوراهای بکشانیم تاوان آن بر عهده جبهه است. این وضع باید خاتمه یابد. از کجا شروع می کنیم:

-دیگر اولویت فعلی ما کار فرهنگی و تبلیغی و اجرایی و خلاصه روال سابق نیست - اولویت مقاومت است.

-نیروی نظامی وسیعی از اعضای شورا تشکیل شود و از داوطلبین مسلح و غیر مسلح.

-داوطلبین بدون سلاح مسلح شوند - اسلحه از میان مردمی که خود نمیخواهد بجنگد جمع آوری شود و رسید داده شود.

-افراد مسلح سازماندهی شوند و آموزش داده شوند و فرماندهان تعیین کردند. نمایندگان نظامی کار مردم بیابند فرماندهی کنند.

-تدارکات نظامی خوبی جمع آوری شود. کار تدارکات پشت جبهه بخوبی سازمان داده شود. خوراکی- دارو و غیره- زنان و جوانان فعال شوند.

-شوراهای و نمایندگان در سطح سه استان سلیمانیه، اربیل و کرکوک هماهنگ شوند و نیروی مسلح شوراهای مشترک و هماهنگ شوند وزیر فرماندهی واحد درآیند.

-نیروی نظامی شورا با نیرو «جبهه» هماهنگ شوند- برسر اینکه فرماندهی دست کیست جدل نشود. آنها اکثریت اند. اتحاد عمل نظامی مهم است.

-از جنبش مردم جنوب عراق حمایت شود. سرکوب جنبش در مرکز و جنوب خطر حمله به شمال را بیشتر میکند و آسان میکند.

مشکل کنونی و کمبودها

۱- سلاح کم است.

۲- مهمات کم است.

۳- فرمانده کم است.

سلاحهای موجود جمع آوری شود و به افراد داوطلب داده شود.

یک ملاحظه: کار تبلیغ و تدارکات و توزیع و گرسنگی مردم کماکان جزو اولویتها و در خدمت جنگ مقاومت است نباید کم رنگ شود.

خوراکی مردم فقیر تامین شود - آواره ها سامان داده شوند و تامین شوند ...تعاونیها و توزیع خوراکی ارزان.

تصمیمات:

۱- جلسه اضطراری ساعت ۱۰ صبح کمیته مرکزی نمایندگان شوراهای و تصویب مسائل بالا و شروع فوری اقدامات عملی و فراخوان کمیته به مردم

۲- تنظیم یک بیانیه با مفاد بالا.

۳- انتخاب هیاتاتی و ارسال نزد جبهه برای بحث سر مسائل فوق و رفع مزاحمت و کارشکنی و ایجاد هماهنگی برای مقاومت

۴- یک نامه سر گشاده به رهبران جبهه جلال طالبانی و مسعود بارزانی

۵- ارسال نمایندگانی به اربیل و ...

۶- اعلامیه محکومیت مجاهدین

۹ فروردین (۲۹ مارس)

جنگ کرکوک شدت یافته، دولت مدعی است کرکوک را بازپس گرفته و جبهه ایها می گویند دولتی ها به شهر نفوذ کرده اند. دوستان میگویند وضع جبهه ها خوب نیست - ناهماهنگی وجود دارد. پیشمرگان کم اند- جاشهای سابق خود را بخطر نمی اندازند - تنها راه نیروی مسلح توده ای است بشرطیکه سازمان یابند و مردم استقلالشان حفظ شود و حرمتشان و اعتماد به نفسشان.

پادگان واقع درحومه کرکوک را بخاطر همین ناهماهنگی و آماده نبودن نیرو برای تقویت و تعرض از دست دادند.

شهر کرکوک نیروی چندانی ندارد(۸) مردم وسیعا شهر را تخلیه می کنند. توپ باران و بمباران و موشک اندازیها کشته و زخمی زیادی از مردم گرفته است.

«جبهه» چشم کمک به امریکا دوخته و تأیید او، چشم انداز دیپلماسی و کمک خارجی برای جبهه تاریک است و ناسیونالیستها اگر این را نداشته باشند روحیه شان را می بازند و افقشان تاریک می شود. آنها عقیده ندارند توده ها با نیروی خود می توانند انقلاب را به سر انجام برسانند و از آن دفاع کنند.

ناسیونالیستها این بی افقی را یا در واقع افق پیروزی تنها با کمک خارجی و تأیید امریکا ممکن است را به جامعه تلقین کرده اند. بهمین دلیل این روزها عکس بوش خریدار دارد و وسیعا پخش شده. عکس بوش بهمراه

جلال طالبانی و ملا مصطفی بارزانی. تعدادی از افراد مسلح و مردم هم عکس بوش را به سینه خود میزنند. بنظر میرسد تا حال هیچ توافقی بین اپوزسیون کرد یا سراسری عراق با امپریالیستها نشده و هر دو طرف منتظر توازن قوا هستند اما امریکا ترجیح می دهد حکومت مرکزی قدرتمندتر بماند و از باصلاح تجزیه عراق پرهیز شود و بخصوص اسلامی ها در جنوب کاری نتوانند بکنند و کردها هم زیاد پا نگیرند. امریکا خواستار عراقی باثبات و یا یک حکومت مرکزی مسلط براوضاع است. اما بدیل حاکمیت وجود ندارد و خود امریکا راسا قدرت را در اختیار میگیرد.

آخرین خبر: نماینده «جبهه» در سلیمانیه در نشست با گروه مهندسین گفته: ما نظامی هستیم و از آبادان کردن و بازسازی چیزی سرمان نمیشود. مملکت دست شما آبادانش کنید. مردم به روستا بر میگردند، طرح خانه سازی خوبی به آنها بدهید. وضع مالی هم خوب نیست. ضمنا گفته ما خودمختاری میخواهیم به اضافه ۳۰٪ درآمد نفت برای کردستان و نیروی نظامی خودی در کردستان!

۱۰ فروردین (۳۰ مارس)

اخبار وحشتناک قتل وعامها، زنان و مردان و کودکان دست و پا قطع شده در کرکوک و بیمارستانها مملو از زخمیها. شهر سلیمانیه پر از آواره ها در کنار خیابانها و در کنار جادهای اصلی، بچه های گرسنه که برای یک لقمه نان گریه می کنند.

یک میلیون آواره و هزاران زخمی، بی دارو و بی نان ومسکن، اینها مردمانی هستند که تنها چند روزی طعم آزادی را چشیدند و حالا دارند تاوان آن را پس می دهند. تنها یک هفته ده روز فرصت داشتند به شورا فکر کنند و آزادانه در بنکه های شورایشان اجتماع کنند. اینها مردمانی هستند که یک زن عرب را نماینده شورایشان کردند در یک محله کرد و عرب نشین کرکوک. این مردم چقدر شایسته آزادی و رهائی اند. در چه دنیای زندگی می کنیم! که میلیاردها انسان در سراسر دنیا قتل عام این مردم شریف را نظاره گردند و کسی دم بر نمی آورد.

انگار دنیا خفه و لال و خرفت شده است، چه سرنوشتی داریم. آیا ما شایسته این سرنوشتیم؟ کارمان را باید با شدت بیشتری ادامه بدهیم. تنها یک جنگ توده ای میلیونی ممکن است ما را این وضع نجات بدهد، آیا شوراهای میتوان مسلح کرد؟ آیا فعالین کنونی این قدرت را دارند؟ جواب این سوالات هر چه باشد تنها راه همین است باید این راه را رفت.

جنگ بر سر کرکوک ادامه دارد. ۱۶ لشکر و هزار و پانصد تانک برای این حمله بکار گرفته شده بعلاوه هلیکوپتر و بمب افکنها و موشکهای اسکاد. بنظر میرسد برای دولت جنگ مرگ و زندگی است و البته برای مردم هم همینطور، و همه این را میدانند که با موشک اسکاد مردم قیام کننده را زدند. مرد وزن کودک و پیر را زدند، چه ظرفیتی برای جنایت و انسان کشی.

دولت امریکا و بوش طرفدار دمکراسی و عدالت بشیرمانه نظاره گر این قتل و عام هستند و تأییدش نمی کنند. غربیها با لبخندی بر گوشه لبهایشان صحنه را تماشا می کنند، آنها میدانند تنها این دولت ظرفیت قتل و عام این قیام کنندگان را دارد و ارزیابیشان این است که همین تنها راه حذف رئیس دولت هم هست که آنها منظور نظرشان است. پس تنها دوطرف نفع میبرند. تورگوت اوزال هم حاضر است شیرهای نفت را باز کند تا حیات به رگهای دولت بر گردد و از پا دنیایید و تا قیام سرکوب شود. تف برهمگیتان.

۱۱ فروردین (۳۱ مارس)

لحظه به لحظه بر تعداد کشته ها و زخمی ها افزوده میشود. شاید میزان آواره ها از مرز یک میلیون گذشته. یک مهب بیمارستانی را با زخمیها و پرستاران و پزشکها در کرکوک با خاک یکسان کرده.

پسر جوانی میگوید مادرم زخمی شد و برادرم رفت او را بلند کند او را هم زدند نوبت خواهرم شد او هم بر جسد مادر و برادرم افتاد و مرد و من فرار کردم!

امروز نیروهای مسلح شوراهای سلیمانیه مستقلا وارد نبرد شد. صدها نفر مسلح، این تنها امید است. صدها نفر باید بسرعت هزاران و دهها هزار بشوند، این تنها راه است. بنظر میرسد دوستان خوب کار می کنند قرار است وحدت عملی بین دو گروه چپ وشورا بوجود بیاید که این خوب است.

آشپزخانه های خلقی باید درست شود نباید گذاشت بچه ها از گرسنگی بمیرند. انبارهای ثروتمندان را باید پیدا کرد و خالی کرد و هر کس هرچه دارد بدهد. شوراهای رسید بدهند اگر پیروزی حاصل شد شوراهای عوضش را خواهند داد. این آخرین تصمیمات فعالین شوراهای است.

تب ضد ایرانی در شهر بالا گرفته. مجاهدین ایرانی این کفتارها نوع دیگر جنایت وحشتناکی کرده اند. آنها دوش بدوش قاتلان دولتی مردم را قتل و عام کرده اند بخصوص در چمچمال. آنها میگویند سرنوشتشان به سرنوشت این دولت گره خورده. اگر این رژیم ازبین برود فاتحه شان خوانده است.

اما این بیشرفها چرا قیام مردم را با حکومت مذهبی عوضی گرفته اند؟ آیا خرفت شده اند؟ خیر، این عین ماهیت خیانت پیشگی و گنبدگی و بی آبرویی و مزدوری محض شان است. ننگتان باد!

اما چرا «جبهه» احساسات ضد ایرانی را دامن میزند؟ آیا از این فرصت می خواهد برای تصفیه حساب با کمونیستهای ایرانی استفاده کند؟

۱۲ فروردین (۱ آوریل)

به اربیل هم حمله شده.

صف طولانی آواره ها، زنان، مردان، کودکان با پای پیاده و حتی پای برهنه به طول دهها کیلومتر از اربیل به طرف شمال در حرکت است. بجز عده معدودی که خرت و پرتی را بر تراکتور و کامیون و تاکسی بار کرده اند، اکثریت عظیم این انسانهای بی پناه هیچی بهمرا ندارند حتی بعضی ها کفشهایشان را هم ندارند. دمای هوای کوهستانی این منطقه در شبها نزدیک به صفر است.

مردم پر شور و شوق وانقلابی دیروز هم اکنون انسانهای بی افق، روحیه باخته وشکست خورده بنظر میآیند و جبهه بورژوازی که تنها امیدش به حمایت امپریالیستها و بوش است هیچ بذل توجهی به این وضعیت ندارد و قلبش برای سازش، مذاکره و گوشه چشمی از خارج و دوردستها در امریکا می طبد.

نشانه ای از مقاومت دلیرانه نیست. مردم فرصت نیافته اند کاملا سازمان یابند و امید خود را از دست داده اند.

آینده ای بس تاریکتر از گذشته و سرنوشتی بس خطرناکتر از سابق را پیش چشم خود مجسم میسازند و از وحشت این آینده بر خود میلرزند، آینده انتقام دولت، قتل وعامها سرکوب و تحقیرها و زندگی ای تلخ تر از مرگ.

آیا هنوز امیدی هست؟ آری هنوز امیدی هست. به مرکز و پایتخت هنوز امید هست و حتی هنوز امید مقاومت دلیرانه تماما از دست نرفته. آیا مردم صرف نظر از احزاب مسلح جبهه می توانند سازمانهای نظامی خود را توسعه دهند و مقاومت کنند و پوزه دشمن را در چندین نوبت به خاک بمالند و شمشیر سرکوبش را کند کنند؟

کاش میشد به این آقایان بورژواهای ناسیونالیست ورشکسته، به این خوکهای کثیف و بیغیرت گفت بی زحمت راهتان را بگیرید و زحمتتان را از سر این مردم کم کنید و بگذارید خودشان تصمیم بگیرند. اما نه، مثل اینکه این آوار، آوار ناسیونالیسم بار دیگر بر سر مردم ریخته خواهد شد و تاریخ تکرار خواهد شد تاریخ سالهای ۶۰ و ۷۰ و اکنون ۹۰! عجب مصیبتی است!

۱۳ فروردین (۲ آوریل)

ساعت ۸ شب است. ستون ماشینهای حامل آوارگان و فراریان از شهر سلیمانیه بطرف مرزهای ایران بطول دهها کیلومتر مشاهده میشود. کوچ عظیم زنان و مردان بی پشت و پناه، وجدان کرم خورده بشریت امروز. آخرین شهر بزرگ کردستان، سلیمانیه در انتظار فرود آمدن مهبها و توپ ها و موشکها است. صدای توپها و بمباران نزدیک شده است و از شهر و اطراف آن شنیده میشود و این باعث شده نیم میلیون آواره کرکوک و اربیلی در سلیمانیه بهمراه میزبانانشان «اهالی سلیمانیه» راهی مرزها و دشت و کوها شوند. میهمانها و میزبانها هر دو با هم بسوی سرنوشتی تاریک در یک شب تاریک و سوزناک. شاید تا فردا و ۲۴ ساعت دیگر بیش از یک میلیون آواره شهر را ترک کنند.

و این در حالی است که شوراها شهر واحد نظامی مستقل خود را تازه سازمان داده و به جبهه رفته اند و گروههای پزشکی و خدماتی و کار و توزیع تدارکات وسیعا خستگی ناپذیر در محلات مشغول کار بودند. آواره ها اسکان داده میشوند و نانهایشان را با آنها تقسیم میکردند. قرار بود از امروز آشپزخانه های عمومی در مراکز تجمع آوارگان در مدارس شهر دایر شوند و از جانت شوراها اداره شوند و خوراک مجانی توزیع کنند.

و باز این کوچ در حالی است که امروز جمعی ۵۰-۶۰ نفره از زنان مبارز شهر اجتماع کردند تا تشکل زنان را پایه ریزی کنند و قرار شد فردا در اجتماع بزرگی تشکل توده ای و مستقل زنان را اعلام کنند.

و این کوچ در حالی است که نمایندگان باقی مانده از شوراهای شهرهای کرکوک و اربیل با نمایندگان شوراهای شهر سلیمانیه در تدارک نیروی نظامی مشترک، و ستاد نظامی و عملیاتی و واحدهای تدارکاتی و پشت جبهه و ایجاد شوراهای آوارگان بودند.

آیا با این کوچ پرونده شوراها بسته شده است؟ ممکن است اینطور باشد. اما عمر کوتاه کمتر از یک ماه شوراها در تاریخ با افتخار و سر بلندی فعالینش ثبت خواهد شد و تجارب و خاطرات آن تا مدت‌های طولانی در یادها خواهد ماند و در هر برآمد توده ای راهنمای عمل و تحرک اجتماعی توده های کارگر و زحمتکش برای اعمال اراده انقلابیشان خواهند بود. زنده باد شوراها!

۱۴ فروردین (۳ آوریل)

کوچ عظیم ادامه دارد و سرو کول ماشینها پر از آدمهای بخت برگشته است. در تریلی یک تراکتور بالغ بر ۴۰

نفر جا گرفته اند. یکی از تریلیهای دوچرخ با ۴۰ نفر انسان یک چرخ ندارد و روی آهن حرکت می کند. علاوه بر آن از گلگیرها و بدنه و جلو و عقب آن آدمها آویزانند، روی تانکر ها و داخل تانکرهای خالی بچه ها سر میکشند. بر سقف مینی بوسها و حتی روی پله های آن، روی کاپوت عقب و جلو ماشینها بطرز وحشتناکی زنان و مردان جا گرفته و آویزان شده اند، حرکت بقدری کند است که پیاده سریعتر میتوان عبور کرد. ۱۰ کیلومتر را با ۲-۳ ساعت می توان پیمود. با این سرعت معلوم نیست تا صبح کسی بجایی برسد.

باد و باران از صبح زود شروع شده و یک میلیون آواره بدون سرپناه و بدون هیچ اسکانی زیر باران قرار دارند کسانیکه دیشب را هم تا صبح در هوای سرد بکندی راه پیموده و نخوابیده اند. صدای توپخانه دولت طیش قلبها را تندتر و گامها را سریعتر و در عین حال سست و کم توان میسازد.

ما می خواهیم در سختترین لحظات در کنار هم باشیم که چه خاطرات تلخ و شیرین با هم داریم و چه آرزوهایی که برآورده نشده اند. زمان به ما فرصت نداد پایه های عقاید و اتحاد و تشکیلات توده های انقلابی و کارگری را محکم کنیم. آنچه ساختیم هنوز هم سرپاست و می جنگد. بالغ بر ۳۰۰ عضو پیشرو جنبش شوراها در جبهه است. اما فقط پیشروان، تودها فرصت نداشتند در آموزشگاه یک موفقیت انقلابی پرورش یابند و وسیعا میدان بیابند. اگر وضع اینطور پیش برود هر آنچه را که ساختیم فرو میریزد اما تجارب و افتخار و سربلندی یک جنبش رادیکال کارگری و مردمی انقلابی سالهای سال زنده خواهد ماند.

ساعت ۱۲ ظهر است نیروهای دولتی وارد شهر شدند. در حالیکه بخشی از مردم هنوز فرصت فرار از شهر را پیدا نکردند. مقاومتی در کار نبود. معلوم نیست این همه نیروی مسلح جبهه احزاب بورژوازی چگونه آب شدند و به زمین رفتند. بخشی از فعالین مسلح شوراها در جبهه بین کرکوک و سلیمانیه موضع گرفته بودند. قطعا مقاومت سختی کرده اند اما به تنهایی کاری از دستشان ساخته نیست.

صف طولانی مهاجرین و فراریان از حومه شهر سلیمانیه تا مرز ایران است یعنی به طول ۶۰-۷۰ کیلومتر! این تازه یک خط و یک صف آوارگان و فرار بطرف مرزهاست. دهها صف اینطور از جنوبی ترین قسمت کردستان تا شمالی ترین آن هم اکنون بالغ بر ۲ میلیون آواره را از داخل کردستان به لبه مرز ایران وصل میکند. هوا سردتر شده است و گاهگاهی می بارد. امروز و امشب چند نفر از سرما و گرسنگی خواهند مرد؟ چند کودک تلف خواهند شد؟

به این ترتیب نقشه ادامه کار فعالین جنبش شورایی ناتمام ماند. نقشه ای که هرگز تکمیل نشد و زمان مجال نداد. نقشه توده ای شدن شوراها، نیروی مسلح توده ای شوراها و بالاخره تشکیل یک سازمان کارگری از رهبران و فعالین جنبش شورایی بخصوص از میان کارگران و نطفه تشکیل یک حزب کارگری و تدارک برای آن. تخیلی بود؟ خیر. بی عرضگی و بن بست و خیانت جبهه متحد بورژوازی اساسی ترین علت شکست قیامی بود که می توانست یک انقلاب توده ای را به سرانجام برساند.

و حالا دسته های قیام یک ماه قبل دوباره همان دسته ها هستند اما یکنوع فعالیت دیگر بعد از طعم تلخ یک شکست. و با امید به آینده باز هم به کار خود ادامه خواهیم داد. افتخار بر شما دوستان عزیزم در شهرداری و دخانیات و کارخانه قند و خیاطی و در محلات شهرها و ما همه یک راه را داریم میرویم و من هیچگاه فداکاری و صداقت شما و محبت همسرانتان و خنده بچه هایتان را فراموش نمی کنم.

۱۵ فروردین (۴ آوریل)

یک شکست

ارتش شکست خورده و تحقیر شده جنگ کویت اما فاتح جنگ داخلی اکنون در شهرهای کردستان عراق هار و درنده می کشد، میگرد و غارت می کند، کمتر خانه ای است که درب و پنجره هایش نشکسته و اموالش به غارت زفته باشد. یک سرباز گارد جمهوری گفته است: ما دستور داریم هر جنبنده ای را بکشیم و در بصره، در نجف و ... ما همه تظاهر کنندها را کشتیم و کسی نمانده تظاهرات بکند. این در حالست که دسته دسته مردم آواره در راه فرار به مرزها تلف میشوند.

کودکان سرما زده و گرسنه، سالخوردگان و زخمیها و مریضاها از همه شانس کمتری دارند خود را به مرز برسانند. آن بچه هائیکه روی یک چهارچرخه در هم لولیده اند با دستهای ضعیف پدر با مادر پیرشان به جلو هل داده میشوند. آن بچه هائی که در چرخ دستی مخصوص گل کاری حمل میشوند. آن زخمهائی که روی صدلیهای چرخدار بیمارستان در جاده ها روانند. زنی بچه ۹ ماهه اش را روی سنگی زیر باران می گذارد تا بقیه فرزندانش را نجات دهد. او در آخرین لحظه به بچه اش می گوید: فرزندم! بمیر. اینطور راحت تری!

مریض ها و زخمیها بدون دارو و استراحت وزیر باران شدید سوزش باد و در فاصله کراکوک تا مرز، در فاصله مرز اربیل تا مرز و در فاصله سلیمانیه تا مرز در جاده ها و کوهها، در دشتها زنان و مردان و کودکان پخش و پلا، سرمازده، گرسنه و بی پشت و پناه، کودکان زیادی ول شده اند. و زنان و مردان زیادی هم مرده و خواهند مرد تا یک دیکتاتوری روبرزوال سرپا بماند. این حکم امپریالیسم امریکاست! حکمی که بشرمانه و آشکارا به جهانیان اعلام شد.

این یک توطئه جنایتکارانه علیه بشریت بود. این یک ننگ بر پیشانی تمدن قرن بیستمی به رهبری بوش بود. و این خفت برای کل بشریت لال و خفه زمان است. و این یک ننگ دیگر بر دامن ناسیونالیزم بی عرضه و بی خاصیت آخر قرن بیستم است، ناسیونالیستهای بورژوا در کردستان یک صفحه سیاه دیگر را بر تاریخشان افزودند و شاید برای همیشه پروندشان بسته خواهد شد.

هیچوقت توی عمرم به اندازه این روزها و ساعتها احساس حقارت، ناتوانی و بیچارگی نکرده ام. هیچوقت توی عمرم به اندازه این روزها و ساعتها احساس تنهایی و عجز نکرده ام. تنها در میان میلیاردها انسان که بر صفحات تلویزیون مبینند و از رادیوها میشوند که ۴ میلیون انسان تباه میشوند اما دم بر نمی آورند.

چه کاری از دستم ساخته است است: قطرات اشکی به نشانه استیصال و بغضی که در گلو دارد خفه ام میکند. و رژه تصاویر کارگران دخانیات سلیمانیه و اربیل، کارگران شهرداری و خیاطان سلیمانیه، زحمتکشان محلات شهرها در پیش چشمانم، جوانان پرشور مسلح، کودکان شاد و آزاد روزهای آزادی و صورتهای خسته و چشمان گود افتاده دوستان از بی غذایی و بیخوابی و کار و فداکاری خستگی ناپذیر، دوستان دارم و ما باز هم سر راست میکنیم. ما، در همه جای این کره خاکی، بشریت اسیر امروز فردا ارباب جامعه خواهد شد.

توضیحات (زیر نویس):

۱- توضیح اینکه کلیه احزاب بورژوایی چپ و راست از مدتها قبل در یک جبهه «به ره» ائتلاف کرده اند و

هم اکنون در پشت مرزها منتظرند و صحبت از حاکمیت دمکراتیک در عراق و خودمختاری در کردستان می کنند. اینها از پیش خود را برای حاکمیت از بالا آماده کرده اند و آن را حق مسلم خود میدانند/ در این یادداشت هر جا کلمه «جبهه» آمده منظور همین ائتلاف است.

۲- بنکه در کردی یعنی مقرر است.

۳- کردها چه می خواهید؟ انحلال شوراها

۴- چه شورا شورائی سرداده اید؟ ملت از شما نفرت دارد.

۵- کارگران چه میخواهد؟ ۳۵ ساعت کار

۶- حکومت شوراها یا قرارگاه رمضان!

۷- یکی از محلات سلیمانیه

۸- نیروی پیشمرگ دو هزار نفر خسته، افواج عشایر خیلی زیاد اما بی پرنسیب، نامنظم، لمپن، غارتگری،

نیروی زرهی و توپخانه ضعیف و غیر تخصصی، توده های مسلح نا منظم خیلی زیاد اما بی سازمان -

ضعف دفاع هوایی و ...

منتخبی از اسناد مصوب شوراها و چند شماره از نشریه شورا

شورا- شماره ۴

قیمت ۲۵۰ فلس

سردبیر: بهرنگ

هدف و نتیجه قیام توده ای حکومت شورایی است

توده های کارگر و زحمتکش و انقلابی شهرها و تصویب میکنند که:

۱- شوراهای کارگران و مردم محلات در مجامع عمومی تعیین و انتخاب شوند.

۲- نمایندگان شوراهای کارگری و محلات، شوراهای شهرها را انتخاب میکنند و رهبری قیام تا سرکوب کامل دشمن را بر عهده میگیرند.

۳- شوراهای باید در مصادره اقتصادی و تقسیم آن حاکمیت شهر را بر عهده بگیرند. تمام موجودی نقدی و جنسی، درآمد و نقدینگی و کالاهای مصادره شده تاجران و بانکها و دولت در انبارها را باید به کنترل خود در آوردند و برای رفاه مردم بکار بگیرند.

۴- تمام دستگاه حاکمیت کهنه را باید منحل کنند و بجای آن حاکمیت کمیته ها و شوراهای کارگران و زحمتکشان و ارگانهای توده ای را مستقر نمایند.

۵- تمام نیروهای مسلح رژیم، مانند ارتش، نیروهای مزدور عشایر جاش، واحدهای استخبارات، امن، مخابرات و... باید منحل شوند. بجای آنها مردم همگی مسلح شوند و تحت فرمان شوراهای از انقلاب دفاع نمایند.

۶- همه مجرمین مسلح و غیر مسلح، جاسوسان امن و مخابرات و مزدوران و مرتجعین باید در دادگاههای مردمی منتخب شوراهای محاکمه و مجازات شوند. تمام محاکمات باید علنی باشند.

۷- شوراهای باید اعلام کنند که مردم را از تمام آزادی های سیاسی مانند آزادی بیان و عقیده و مرام سیاسی و آزادی تجمع و تظاهرات، استفاده از جمعاعات و روزنامه ها و انتشارات و رادیو و تلویزیون برای اظهار آزادانه عقاید، آزادی تشکیل هر نوع تشکیل سیاسی بهرمنند خواهند ساخت و با نیروی مسلح توده ها از آنها دفاع خواهد نمود.

۸- شوراهای کارگران و زحمتکشان تصویب میکنند که: دین از دولت جدا است و تمام دستورات و قوانین عشیره ای و ارتجاعی در رابطه با انسان و همچنین هر نوع تبعیض جنسی و مذهبی و ملی لغو میشود و بویژه از برابری کامل زن و مرد دفاع خواهد کرد.

زننده باد حاکمیت شوراهای ۱۹۹۱/۳/۵

کارگران مبارز!

سرنگونی صدام و حزب بعث بورژوازی و برانداختن دستگاه سرکوبشان یکی از خواستههای قدیمی ماست. اما انقلاب و قیام ما به این بسنده نخواهد کرد. سرنگونی این رژیم تنها یک قدم در انقلاب ما کارگران است. انقلاب باید تارهایی کامل از غل و زنجیر سرمایه داری و استثمار، استقرار حکومت خودمان و سوسیالیسم ادامه پیدا کند. بگذار در این راه پرچم خواستههای سیاسی و اقتصادی بر حق مان را برافرازیم و بر تحقق آنها پای بفشاریم و آنها را برهر رژیم بورژوائی دیگر تحمیل کنیم.

مطالبات سیاسی:

۱- آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی اظهار عقیده، انتشارات، آزادی اجتماعی، اعتصاب، تظاهرات و ... آزادی تشکیل هر نوع تشکل سیاسی، صنفی و ..

۲- اداره امور از بالا تا پائین باید توسط ارگان منتخب مردم و با شرکت مستقیم این مردم انجام شود.

۳- انحلال همه نیروهای نظامی و تمام دستگاههای جاسوسی و سرکوبگرشان.

۴- حق تعیین سرنوشت حق انکار ناپذیر هر ملتی است. ملت کرد باید در تعیین سرنوشت سیاسی خود در هر شکل، یا جدائی کامل و ایجاد یک دولت مستقل و یا اتحاد آزادانه با ملل دیگر ساکن عراق، آزاد باشد.

۵- برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های حیات اجتماعی.

۶- آزادی فوری زندانیان سیاسی، هیچ کس نباید بر مبنای عقاید سیاسی دستگیر شود

۷- آزادی داشتن و حمل اسلحه.

۸- آزادی انتخاب محل زندگی و سکونت، آزادی سفر. ممنوعیت کوچ اجباری.

مطالبات اقتصادی:

۱- حق انکار ناپذیر تشکل کارگران، حق بی قید و شرط اعتصاب.

۲- ۳۵ ساعت کار در هفته، دو روز تعطیل متوالی در هفته.

۳- تعیین حداقل دستمزد از جانب نمایندگان منتخب کارگران و بر اساس معیشت یک خانواده پنج نفری و افزایش آن به نسبت تورم.

۴- برابری دستمزد زنان و مردان در مقابل کار یکسان.

۵- ممنوعیت اخراج، اضافه کاری و شب کاری.

۶- تامین مسکن مناسب برای همه.

پرتوان باد انقلاب کارگران و مردم زحمتکش و محروم!

مرگ بر رژیم بعث بورژوازی!

«آییننامه داخلی شوراها»

شوراها بر اساس رای گیری، شرکت در اجتماعات عمومی و انتخاب، مناسبات درونی خود را بر نکات زیر وفق می‌دهد و پیش می‌برد.

۱- تمام کسانی که سنشان از ۱۶ سال بالاتر باشد، اعم از زن و مرد عضو شورا هستند و باید در گردهمایی‌ها شرکت کنند.

۲- مجمع عمومی شورا با حضور نصف ساکنین هر محله و کارخانه و محل رسمیت مییابد.

۳- شورا هیئت رئیسه را انتخاب می‌کند تا مجمع را مدیریت کند و دستور جلسه را اعلام نماید. برای بحث و گفتگوها زمان تعیین می‌کند. زمان بحث و تدبیر و مشورت و موافقین و مخالفین را تعیین مینماید و برای هر امری که لازم باشد رای گیری می‌کند.

۴- هیات رئیسه یک یا چند مشاور و منشی برای خود تعیین می‌کند تا خلاصه گفتگوها و مصوبات را بنویسند.

۵- تصمیم گیری در مجمع عمومی باید با نظم و ترتیب باشد. محتوای هر دستور جلسه و دلایل آن باید قبلاً تعیین شده باشد. کسی که پیشنهادی مطرح می‌کند، طرفداران و مخالفان هر کدام باید به اندازه لازم بدنبال یکدیگر صحبت بکنند سپس هیات رئیسه مجمع روی آن رای گیری بعمل آید.

۶- رای گیری اگر به شیوه مستقیم و علنی میسر نشد میتوان به شیوه مخفی انجامش داد.

۷- شورا باید برای عقیده و حق عمومی و فردی فعالین در شورا احترام قائل شود و از آن دفاع نماید.

شورا- شماره ۵

قیام و انقلاب ادامه دارد!

ما توده کارگران به اطلاع میرسانیم و اعلام میکنیم که :

۱- قیام و انقلاب توده ای تا پیروزی قیام توده ای در سراسر مملکت ادامه خواهد یافت. ما هنگامی میتوانیم از پیروزی قیام مان در این شهر، آن شهر و یا هر منطقه ای مطمئن شویم که انقلاب سراسری پیروز شود ما بخشی از نیروی عمومی قیام توده ای در سراسر مملکت هستیم و برای این پیروزی تلاش می‌کنیم.

۲- حاکمیت کهنه جامعه ما را به این ملت، این دین و آن مذهب و این عشیره و آن عشیره تقسیم کرده است. ما کارگران این تفرقه را محکوم می‌کنیم و اعلام می‌کنیم که کارگر کرد یا ترک، عرب و یا عجم، دیندار یا بی دین، کارگر است. ما طبقه یک پارچه و هم سرنوشت جامعه هستیم و منفعت، شادی و زبانهان یکسانست و پیروزیمان در اتحادمان.

به این دلیل قیام و انقلاب ما، قیام و انقلاب توده کارگر و زحمتکش و مردم ستمدیده در سراسر کشور از هر ملت و مذهب است.

ما تقسیم مردم به این یا آن عشیره را رسم و سنتی ارتجاعی میدانیم که یادگاری دوره سیاه ارباب و رعیتی است. ما کارگران و همه مردم زحمتکش را فرا می‌خوانیم که از زیر سایه نکبت رسم و سنت کهنه و طایفه گری و خان و خان بازی چه در میان کردها یا ترک یا عرب خارج شوند و در صف متحد و آزاد و ترقی خواه کارگران دستها را بهم حلقه کرده، متحد شوند و برای همیشه و الی الابد نظام طایفه گری را بگور بسپارند و از میان بردارند.

ما کارگران هر کس را از این سنت و رسم ارتجاعی دفاع کند محکوم میکنیم و او را ضد انسان آزادپخواه میدانیم.

ما بقای هر کس تحت عنوان رئیس طایفه و عشیره در حکمیت شورائی مان و در صف نیروی مسلح توده ای را نمیپذیریم. افراد مسلح عشایر باید از همراهی و نوکری عشیره ها جدا شوند و سازمان عشیره ای منحل شود. مدال ارتجاعی طایفه گری باید برای همیشه از سینه این افراد کنده و بدور انداخته شود و به سزای تفرقه اندازی در میان مردم و تبدیل آنان به ابزار دست دشمنان برسند.

پیروز باد صف متحد کارگران و مردم زحمتکش

۱۹۹۱/۳/۸

شورا- شماره ۶

قیام گرسنگان پیروز است!

قیام گرسنگان در شهرها و شهرک اردوگاهی کردستان پیروز شد اما انقلاب کارگران همچنان ادامه دارد.

نیروی راستین قیام را ما تشکیل دادیم، ما کارگران بیکار شده، ما زحمتکشان خانه سوخته، ما که در جنگ چندین ساله بیشترین زیان و آراز را تحمل کرده ایم، ما که زخم ده ها ساله ی ندادی و گرسنگی، بیحقوقی و کشتار را بر خود داریم، ما زنان و دختران و جوانانی که تا دیروز در کنار شهرمان به فروش نان و سبزی و دست فروشی مشغول بودیم، ما توده ی به تنگ آمده، ما که فشار بیکاری و رنج ندادی دچار فساد اخلاقیمان کرده بود.

فرزندان ما بودند که با دست خالی تا کنار سنگرها و خاکریزهای دشمن رفتند و خلع سلاحشان کردند. قیام، قیام گرسنگان بود. صاحب واقعی قیام و دستاوردهایش هم ما هستیم و باید ما باشیم. حاصل قیام باید تغییر دوران فقر و ندادی به دوران خوشی و سعادت و حرمت و کرامت انسانی و آزادی بیان و تشکل باشد. مدافع این کارها فقط نیروی مسلح خودمان در شوراها است، در محله و شهر و محل کار. این نیروی ما باید جای نیروی سیاسی کهنه را بگیرد.

زنده باد نیروی متحد و مسلح کارگران و بی چیزان!**حقوق دمکراتیک مردم زحمتکش در کردستان**

تسلط دوره سرکوبگرانه ارتجاع رژیم بعث بر زندگی تمام توده های وسیع کارگر و زحمتکش و مردم آزاده و انقلابی و زنجیر کردن آنها در چهار چوب مجموعه قوانین و رسم و آئین ضد دمکراتیک و ضد آزادی سبب تحمیل وضعیت بی حقوقی و فقدان هر گونه آزادی و فعالیت آزادانه اکثریت جامعه گشته و در همان حال تمام توده های مردم تحت ستم در جامعه را گرفتار جهل و عقب ماندگی و فساد و ده ها سختی دیگر کرده بود. «آزادی و دمکراسی» که زیر سایه حکومت قلدر و سرکوب بعث سرمایه داری خود را تحمیل کرده بود «آزادی» ای بود که همه حقوق ابتدائی و آن حقوقی را که شایسته انسان پایان قرن بیستم است از اکثریت عظیم جامعه سلب نموده و در مقابل آزادی و دمکراسی را برای اقلیت برای اهداف سودجویانه تامین میکرد. بدیهی است که تسلط هرگونه بیحقوقی، سرکوبگری قانونی و محروم ساختن توده های مردم آزاده و ستمدیده بخشی از رونمای حکومت سرمایه داران بوده و در خدمت انباشت هرچه بیشتر سرمایه دارهای شان سر چشمه گرفته است. بدین ترتیب جامعه سرمایه داری خود منشا هرگونه بی حقوقی و محروم ساختن توده های مردم زحمتکش و ستمدیده است...

حکومتهای مرتجع کنون در تمام جهان اگرچه بشکل رژیم پارلمانی و تک حزبی باشند، اگرچه به اسم آزادی و دمکراسی سخن بگویند، اگرچه دم از بشر دوستی و حقوق بشر بزنند، اما حکومت نمایندگان اکثریت عظیم جامعه نیستند و در نتیجه ی مبارزه و انقلاب آنان پدید نیامده اند.

قوانین و سیاستهای ارتجاعی و ضد انسانیشان را بر زندگی اکثریت وسیع جامعه تحمیل نموده، آزادی آنها مادام که براساس نابرابری و مناسبات اجتماعی کنونی استوار است، نمیتواند آزادی و دمکراسی واقعی برای توده های وسیعی مردم آزاده باشد. همچنین بشر دوستی و حقوق بشر که شعار این حکومتهای سرکوبگر است که خود را برای زندگی اجتماعی تحمیل کرده اند، شکلی است برای فریب دادن و در زنجیر نگاهداشتن اسیران امروز. آیا کسی که خود بر اساس محروم ساختن و خوردن حق تولیدکنندگان امروزین پا برجاست میتواند حقوق بشر، حقوق کارگران و زحمتکشان و مردم آزاده را تامین کند؟ آیا نیروئی که همچون نیروئی مافوق حاکمیت آزادانه مردم قرار گرفته و نماینده قانونی مافوق اکثریت بزرگ مردم است، میتواند مدافع حقوق بشر امروزین باشد؟ واضح است که شعارهایی از این قبیل تنها بدین معنا است که تحت عنوان حقوق بشر و بشر دوستی می خواهند زندگی اسارتبار، سرکوبگری سیاسی و قانونی و اجتماعی را به ما کارگران و زحمتکشان و مردم آزاد تحمیل کنند و آنرا به یک امر عادی تبدیل نمایند. ما براین عقیده ایم که اگر آزادی و دمکراسی موجود باشد نتیجه مبارزه توده های انقلابی و کارگران و زحمتکشان و مردم آزاد است. مبارزه ای که کلیت دم و دستگاه سرکوبگر رژیم قلدر اقلیت را در هم پیچند و بجای آن حاکمیت انقلابی خود را برقرار سازند، حاکمیتی که خود قانونگذار و مجری قانون باشند.

آزادی و دمکراسی اگر موجود باشد و در آن حقوق توده های قیام کننده را تضمین کند، تنها از طریق برچیدن

حاکمیت کل دولت سرمایرداری و استقرار حکموت دموکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان و مردم آزاده است. دموکراسی واقعی که هم اکنون در جامعه برقرار است نتیجه عقب نشینی و بر چیدن دم و دستگاههای سرکوبگر رژیم در برابر قیام توده های انقلابی است. این بالاترین نوع آن دموکراسی است که در آن الغای کل نظم و قوانین کهنه را انجام داده و راه را برای فعالیتی هر چه آزادانه در خدمت تامین و پیشبرد حقوق مردم انقلابی و آزادیهای دموکراتیک گشوده است. واقعیتی اینچنین شخصیتی را در برابر ما جلوه گر میسازد که با اراده انقلابی خود میخواهد و نه تنها میخواهد در مسائل اجتماعی دخالت کند بلکه از طریق مبارزه اش تمام نظم و قانون انقلابی خود را به یک امر معمول هر روزه زندگی هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان و مردم آزاده تبدیل نماید. انقلاب به یک معنا عبارت از این دست آورد که حقوق پایه ای مردم انقلابی قیام کننده را به شالوده هر رسم و قانونی تبدیل کند و در رژیم به حاکمیت رسیده در فردای پیروزی آنها را به اجرا در آورد. بویژه جا انداختن خواسته ها و حقوق ابتدائی مردم زحمتکش در کردستان می تواند محک پیروزی نهائی انقلاب و قیام باشد. از این نقطه نظر ما بیانیه خودمان را که در آنها حقوق ابتدائی مردم زحمتکش درج گشته و توضیح داده شده اعلام میداریم تا اساس تحقق دموکراسی، دفاع از دستاوردهای قیام مردم از طریق اجرای بندهای ان تامین شود و در همان حال همچون قانون اساسی حکومت دموکراسی انقلابی در فردای پیروزی با آن اتکا گردد.

کارگران انقلابی

مردم محروم و زحمتکش

توده های وسیع آزاده کردستان

اینها حقوق بی چون چرای ماست. باید مانند مژه انقلاب و قیام خودتان تثبیتش کنید و در جامعه به پیش برید. باید با نیروی مسلح و سازمان یافته خودتان بند بند آن را به قانون اجرا شده در کردستان انقلابی تبدیل کنید. بنابراین حقوق خود را بشناسید، آنرا به محک شناخت دوست و دشمن خود تبدیل نمائید. شما باید خود در مقابل هر تجاوز رژیم مرکزی و هر نیروی سیاسی مرتجعی برای دفاع از خود بپایزید.

۱- شرکت مستقیم آزادانه در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه و چگونگی پیشبرد آن، حق بی اما و اگر هر انسانی است. هر فرد بالاتر از ۱۶ سال، زن باشد یا مرد، میتواند در انتخابات هر ارگان نمایندگی شرکت کند و نماینده انتخاب نماید. هر فرد بالاتر از ۱۸ سال، زن یا مرد می تواند برای هر ارگان نمایندگی انتخاب شود. اداره امور کردستان در همه وجود آن، از بالا تا پایین باید از جانب ارگانهای منتخب مردم و با شرکت مستقیم خود آنان انجام گیرد.

۲- هر کس در عقاید خود و در بیان عقیده اش آزاد است. هیچ نیروئی نمی تواند آزادی بیان و آزادی عقیده و مرام سیاسی را از کارگران و زحمتکشان و مردم آزاده سلب نماید. تفتیش عقاید و تحمیل عقیده ممنوع است.

۳- حق تعیین سرنوشت، حق هر ملتی است. مردم کردستان آزاد اند به هر نحو که بخواهند سرنوشت سیاسی کردستان و شکل حاکمیت سیاسی و مناسبات حقوقی و اداری را تعیین کنند. نه دولت و نه هیچ نیروی سیاسی اجازه ندارد که با زور از تعیین سرنوشت مردم کردستان بنا به خواست خودشان جلوگیری کنند. هر گونه اقدامی برای پیمان کردن این حق در برابر مبارزه حق طلبانه همه ملت محروم به شکست است. قیام و

مبارزه مسلحانه علیه اینگونه اقدامات حق بی چون و چرای مردم کردستان و عملی مشروع و عادلانه است. ۴- هر کس آزاد است که هر مذهبی داشته باشد و یا دارای هیچ مذهبی نباشد. هیچگونه تبعیضی از هیچ لحاظ بخاطر عقیده مذهبی و غیر مذهبی افراد نباید وجود داشته باشد. برای ضمانت آزادی فکر و عقیده برای همه افراد، مذهب باید از دولت و آموزش رسمی جدا گردد و مانند امر خصوص هر فرد تلقی شود.

۵- تشکل، گردهمایی و میتینگ و تظاهرات و استفاده از مجامع و روزنامه و مطبوعات و رادیو و تلویزیون برای بیان آزادانه عقیده حق بی چون و چرای توده های مردم است. آزادی کامل ایجاد هرگونه سازمان سیاسی، صنفی و توده ای همینطور آزادی پیوستن به آنها باید تضمین و عملی گردد.

۶- هر زحمتکش شاغل یا بیکار و هر فرد که برای امرار معاش حاضر است کار بکند، باید از زندگی مرفه و امنیت اجتماعی برخوردار باشد. تمام کسانی که بدلیل پیری و مرضی و معلول بودن و از این قبیل نمی توانند کار بکنند باید زندگی مرفه و امنیت اجتماعی برایشان تامین گردد. همه کس در انتخاب شغل آزاد است حق مسلم مردم زحمتکش است که فرصت تنفس و استراحت و تجدید قوا داشته باشند. همینطور فرصت اینکه به ارتقا فرهنگی و معنوی خود بپردازند.

۷- زنان در همه وجوه زندگی اجتماعی، در عرصه تولید، خانواده و همه عرصه های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی با مردان حقوق برابر دارند. اسارت زنان از جانب طبقات حاکم و سنت های عشائری باید خاتمه یابد. زن و مرد در برابر کار یکسان باید مزد یکسان دریافت دارند.

۸- هر زحمتکشی که در کردستان برای مبارزه در راه آزادی و برای دفاع از خود خانواده و دیگر هم سرنوشتانش مسلح میگردد، حق دارد اسلحه داشته باشد و مسلح گردد. هیچکس حق ندارد کارگران و زحمتکشان مبارز کردستان را خلع سلاح کند. اعزام اجباری مردم برای جنگ ممنوع است.

۹- هر فرد ۱۸ سال به بالا، زن یا مرد، آزاد است که به میل خود ازدواج کند. نباید هیچکس مجبور گردد که بر خلاف میل خود با کسی ازدواج کند. جامعه هر ازدواجی که در دفتر رسمی ثبت شده باشد را به رسمیت میشناسد. هر کس آزاد است که رسم و آئین مذهبی انجام دهد یا انجام ندهد. زن و مرد در تمام اموری که به خانواده مربوط باشد، در امر جدائی، سرپرستی فرزندان و تقسیم اموال حق کامل درند.

۱۰- هر کس خودش، محل زندگی، نام و نوشته ای که میفرستد و یا برایش فرستاده میشود نباید مورد تعرض هیچکس واقع گردد. نباید به کرامت شخصی هیچکس اهانت، افترا و بی حرمتی روا داشته شود. هر کس برای سفر کردن، انتخاب محل زندگی و سکونت خود کاملاً آزاد است. تبعید و کوچاندن مردم چه فردی و چه جمعی عملی است ضد انسانی که حقوق اولیه بشر را پایمال میکند. چنین اعمالی ممنوع است.

۱۱- بهداشت مردم باید تامین شود. دادن درمان رایگان و کافی برای همه مردم از شهر ها گرفته تا دورترین دهات باید تامین گردد. همه کس در جامعه حق دارد مسکن مناسب داشته باشد.

۱۲- آموزش و پرورش رایگان، ایجاد برابری در برخورداری از دستاوردهای علمی و فرهنگی و هنری بشر باید برای همگان تامین گردد.

۱۳- نباید از هیچ قانون مذهبی و ارتجاعی در کردستان پیروی شود. هیچ محاکمه ای نباید مخفیانه صورت گیرد. تمام قضات در هر مرتبه و مقامی باید از جانب مردم انتخاب شوند. در هر دادرسی تا جرم متهم اثبات نشده باشد بیگناه محسوب میگردد. هیچ گونه آزار بدنی و شکنجه تحت عنوان مجازات و محاکمه و بازپرسی و یا

هنگام دستگیری نباید انجام گیرد. دستگیری مردم از جانب دولت مرکزی و هر نیروی مسلح بهر نحو ممنوع است. کاربدستان قضایی منتخب مردم نیز حق ندارند بدون اعلام اتهام هیچ کس را بیشتر از ۲۴ ساعت در زندان نگهدارند.

۱۴- تمام قوانین و ارگانها و دستگاههایی که منشاء و یا مدافع ستم ملی هستند باید منحل گردند. هیچ نوع تبعیض اقتصادی و سیاسی و فرهنگی علیه مردم کردستان نباید موجود باشد. مردم کردستان آزادند که از فرهنگ ملی خود بهرمنند گردند و زبان مادریشان در دستگاههای دولتی برسمیت شناخته شود و مورد استفاده قرار گیرد و برای فراگیری زبان و فرهنگ خود در مدارس کاملا آزاداند.

جمع پیشبرد جنبش شورایی

۱۹۹۱/۳/۱۵

قطعهنامه مشترک نمایندگان مقرهای شوراهای و جمع پیشبرد جنبش شورایی درباره موضعمان در مقابل صدور حکم انحلال شوراهای از جانب «جبهه»

اول: دوری یا نزدیکی، دوستی یا دشمنی هر حزب و جناح سیاسی مسلح یا غیر مسلح در جامعه نسبت به ما کارگران و زحمتکشان و مردم آزاد را بر اساس نکات زیر مشخص می کنیم:

- ۱- چه اندازه منافع ما طبقه کارگر و زحمتکشان و مردم آزادیخواه را مورد تایید قرار می دهد.
- ۲- چه اندازه از خواسته هایمان پشتیبانی می کند و با آنها مقابله نمی کند، تا چه اندازه علیه سازمانهای مستقل مان نمی ایستد.
- ۳- تا چه حد به نیروی توده های کارگر و زحمتکش و مردم آزادیخواه، در تمام عرصه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی متکی میگردد و نسبت به نیرو و عقاید و تصمیمات توده های پیاخواسته احترام قائل میشود، و از شرکت مستقیممان در حاکمیت جلوگیری بعمل نمیآورد.
- ۴- تا چه اندازه از آزادیهای سیاسی و اجتماعی دفاع میکند و با آنها مقابله نمیکند.

باین ترتیب است که این نیروها و احزاب سیاسی با ما به دوستی و دشمنی بر میخیزند.

دوم: بنا به اصل بالا حکم انحلال شوراهای از سوی «جبهه» نشان دادن موضعی غیر دمکراتیک است و با قیام و انقلاب و دستاوردهایش خوانائی ندارد. اما در عین حال از اینکه خواست بیرون آمدن اعضا و هواداران خود را از شورا اعلام کرده اید بسیار متأسفیم، چرا که ما خواهان شرکت تمام توده های وسیع انقلابی هستیم و تقاضا داریم که همه خواهران و برادرانمان در شوراهای باقی بمانند و بیرون نروند. همچنین حکم شما در این جهت است که از بالا و جدا از اراده تودهای انقلابی، می خواهید توان توده کارگران و زحمتکشان و مردم آزادیخواه را سست نمائید. در حالیکه ما خواهان این هستیم که از طریق برپائی مبارزه ای سیاسی جامعه به آزادی و دمکراسی مطلوب خود دست پیدا کند.

سوم: ما خواهان این هستیم که احزاب و گروههای سیاسی از ما پشتیبانی کنند و در کارهایمان اخلاص نمایند. اگر هم چنین کنند ما مطمئنیم در برابر توده ها منفرد خواهند گشت، چونکه کاری که تا کنون کرده ایم نه تنها بهیچوجه مانعی در برابر مبارزه بخاطر رهائی و پیروزی بر حکومت مرکزی نبوده است، بلکه خود پا گذاشتن توده قیام کننده در میدان مبارزه سیاسی است که می تواند یکسره کردن پیروزی انقلاب را متحقق نماید... باز هم شما ما را به این متهم کرده اید که کسانی از شورا شکایت کرده اند، برای مینا نیز حکم انحلال ما را از سوی خودتان صادر می کنید. بلی شکایت هست از ما!، اما از جانب کسانی است که خود در برابر مردم قیام کرده مجرمند و در پشت جبهه شما میخوانند دستگاه کهنه را حفظ کند و آنها را از دست نخورده نگاهدارند.

در حالیکه بسیاری از اعمال شما مورد تایید ما نیست، با اینکه هنوز مدت کوتاهی از قیام می گذرد، مقرهای

ما را تهدید به بستن و منحل کردن نموده اید در حالیکه هر روز دهها شکایت مردم از شما احزاب جبهه درباره مجتمع ساختن مرتجعین و سران رژیم و برگماری مجدد مدیران قبلی و بازسازی سازمان امنیت و پلیس در شهر و خلع سلاح افراد و جستجوی منازل و غیره بدست ما میرسد.

چهارم: و بالاخره ما اعلام می کنیم که :

۱- اگر شما به موضوع ضد شورائی خود ادامه دهید، ما را ناگزیر میسازید که با تمام شیوه هائی که در توان داریم به مخالفت و جلوگیری از مزاحمت ها و آزار مردم بر خیزیم.

۲- ما خواهان دیپلماسی آشکار هستیم و با هیچ کس نه مخفیانه میجنگیم و نه مخفیانه نیز از در توافق در می آئیم، از اینرو خواستار این هستیم که نتیجه ی ملاقاتمان، منفی یا مثبت، از طریق نشریات و فرستنده های رادیوئی پخش گردد.

جمع پیشبرد جنبش شورائی

۱۹۹۱/۳/۱۸

همه قدرت به دست شما

مردم انقلابی و آزادیخواه شهر کرکوک

انقلاب مردم ستمدیده ادامه دارد. بخش بزرگی از شهر بدون حکومت است. حکومت سرکوبگر در یک مکان تنگ محاصره شده. در نواحی آزاده شده مردم زیادی بدون اسلحه وجود دارند.. افراد مسلح زیادی هم در آن هست.

امنیت برقرار نیست. آب و برق موجود نیست. زخمیهای زیادی وجود دارند. کمک بزرگی از سوی مردم انقلابی از شهر های دیگر بطرف شهر ما آمده اند. انقلاب از ان ماست باید آنها برای دستیابی به نیازهای مردم ستمدیده ادامه دهیم و به پیش ببریم. شورای مجلات سازمان واقعی دفاع از منویات مردم است.

وظایف فوری مردم انقلابی در نواحی آزاده شده:

- ۱- مسلح نمودن زنان و مردان بی اسلحه و گرد آوردن مسلح شده ها برای حفظ امنیت محلات و مایملک مردم ستمدیده.
- ۲- اعدام انقلابی علنی و فوری مجرمین مسلح و وابسته به حکومت ساقط شده سرکوبگر.
- ۳- برپا ساختن مقر شورایی در هر محله.
- ۴- فراخوان به کارگران آب و برق برای مدد رسانی به مردم نواحی آزاد شده.
- ۵- گردآوری دارو و وسائل مورد نیاز پزشکی و ایجاد بخش پزشکی در مقر شورایی.
- ۶- مصادره مواد خوراکی و سوختی و کالاهای دولتی و تقسیم آنها بین مردم.
- ۷- مقابله با خطر حمله شیمیائی.

فعالین جنبش شورایی

شهر کرکوک

۱۹۹۱/۳/۲۱

نابود باد حاکمیت بعث سرمایه‌دار

برقرار باد حاکمیت شورایی

فراخوان عمومی به همه مردم انقلابی کردستان و نیروی پیشمرگ قهرمان

مردم شریف قهرمان!

شما انقلابیون جسور و بی باک، شما کارگران و زحمتکشان، ای کسانی که با خون سرختان توانستید آن پیروزی بزرگ را در تار و مار کردن بعثی‌های فاشیست برای کسب آزادی بی قید و شرط سیاسی برای متحقق ساختن حقوق دموکراتیک مردم زحمتکش و انقلابی بدست بیاورید.

ای پیشمرگان قهرمان، ای مردم شرافتمند.

جنبش شورائی نیز جنبش مردم قهرمان این شهر است که به هیچ دسته و گروه و حزب سیاسی وابسته نیست و خواهان آزادی بی قید و شرط سیاسی است. پیشاهنگ آن قیام دلیرانه توده انقلابی است که دوش به دوش پیشمرگ جبهه کردستانی و نیروی انقلابی کردستان، همکاری و برادری و ریختن خونش بدست بعثی‌های فاشیست در میدان تجربه هفتم و هشتم این ماه را دیدید.

هم از اینروست که میگوئیم جنبش شورایی مردم، آشوبگر نیست و در مقابل نیروی پیشمرگ و جبهه کردستانی اعلام تخاصم و جنگ نمیکند بلکه خواهان این هستیم که برادری و همکاری نیروی پیشمرگ کردستان در خدمت ارتقا جنبش شورائی ادامه یابد.

شورا برنامه کار خود را پیش روی مردم نهاده و در راه آزادی و دموکراسی انقلابی فعالیت میکند که هرگز صدای آزادی و کسب حقوق دموکراتیک خود را در تقابل و ضدیت با هیچ حزبی و سازمان سیاسی نمی یابد. برعکس پشتیبان یکدیگریم تا نابودی کامل حکومت مرکزی و تضمین حق تعیین سرنوشت خلق کرد قهرمانان، و تحقق تمام حقوق دموکراتیک مردم زحمتکش در کردستان و تثبیت آزادی بی قید و شرط سیاسی که دهها سال است مردم زحمتکش چشم انتظار آن هستند.

زنده باد حاکمیت شوراها و پشتیبانی برادران پیشمرگ از آن

کمیته نمایندگان شوراها

۱۹۹۱/۳/۲۲

در باره گردهمایی شورای اهالی حریره - کرکوک

ساعت دو و نیم بعد از ظهر ۴۰۰ عضو شورای اهالی حریره و چندین نفر از فعالین شورا خواهی، مجمع عمومی مردم را با حضور نمایندگان مقرر شورایی «ایسکان» و مقرر شورایی «شوریجه» تشکیل دادند. بعد از بحث به زبانهای کردی و عربی شهروندان تک تک قدم پیش گذاشتند و آزادانه رای دادند و رفقای شورا خواه همان محل برای راهنمایی و چگونگی حل و فصل مشکلات آنها جلو افتادند.

مطالب اهالی حریره عموماً پیرامون نکات زیر است:

۱- خواست امنیت محله، جلوگیری از دست درازی به منازل به بهانه عضویت صاحبخانه در حزب بعث و همچنین ممانعت از هر گونه تفرقه و آزار کسانی که سابقاً به دلیل فشار رژیم مجبور به همکاری شده اند.

۲- خواست آب و مواد غذایی و سوخت.

۳- خواست مصادره مواد غذایی و سوختی متعلق به دولت و تقسیم آن در خدمت مردم.

۴- تسلیح عمومی مردم.

و بعلاوه مجموعه ای از مطالبات فراوان دیگر. پس از قریب به یکساعت و نیم گفتگوی توده ای، به بخش دوم گردهمایی پرداخته شد که عبارت بود از انتخاب نمایندگان شورایی اهالی حریره. ۱۷ کاندید قدم پیش گذاشتند و آمادگی خود را برای خدمت به مردم ستمدیده حریره نشان دادند. پس از انتخابات نتیجه زیر بدست آمد:

۱- آزاد ۶۸ رای. ۲- محمد امین ۶۶ رای. ۳- عزالدین ۶۵ رای. ۴- شهاب ۵۷ رای. ۵- نوزاد ۵۷ رای. ۶- ناظم ۵۶ رای.

۷- ام سعد ۵۵ رای. ۸- عجیبه ۵۵ رای. ۹- عفور ۵۳ رای. ۱۰- رئوف ۵۱ رای. ۱۱- تحسین ۴۹ رای.

سپس نمایندگان به مردم معرفی شدند و تعداد آراء خوانده شد. در پایان آزاد عضو منتخب شورا در مورد جلسه نمایندگان و همچنین در مورد تنظیم کارهایشان و آمادگی برای اقدامات انقلابی صحبت کرد.

چند نمونه از گردهمایی ...

۱- رفقای نگهبان گردهمایی، از مزاحمت چند نفر در خارج مدرسه ممانعت کردند.

۲- یک شهروند که وسائل مردم را برده بود خود را معرفی کرد و قول داد که وسائل را برای شورا بیاورد.

۳- در یک اطاق در مورد نحوه حل مشکل غذا صحبت میشد و در اطاق دیگر در مورد کارها برنامه ریزی میکردند.

۴- شهروندان کرد و عرب بدون انفکاک با روح اتحاد هم رای بودند.

۵- واقعا مدرسه حوا به محل عمل مبارزاتی توده ها تبدیل شده و برای خدمت به مردم مورد استفاده قرار گرفت.

۶- مردم از کارایی و دلسوزی یک کارگر (کاک فریق) حرف می زدند و او را برای نمایندگی شورا می خواستند.

به مردم حریره بمناسبت فعالیت شورایشان شادباش میگوئیم.

همه قدرت به دست شوراهای

گردهمایی

۱- ساعت دو نیم تاریخ ۱۹۹۱/۳/۲۴ به ابتکار فعالین شورائی، گردهمایی اهالی «حریه» در مدرسه حوا انجام شد، پس از اینکه مردم حریه مطالب خود را اعلام داشتند، نمایندگان شورا را که عبارت از ۱۱ نماینده بود انتخاب کردند. پس از اجماع عمومی، جلسه نمایندگان برای سازمان دادن کارهایشان و پیشبرد مطالبات مردم حریه تشکیل گردید. بدین ترتیب شورای مردم حریه موجودیت خود را اعلام کرد.

۲- ساعت دو بعداز ظهر ۱۹۹۱/۳/۲۵ مجمع عمومی اهالی «ایسکان» در مدرسه ۱۱ آزار قدیم برای تاسیس شورای محله ایسکان و انتخاب نمایندگان و تعیین وظایفشان و قبول مسئولیت خدمت به مردم انقلابی ایسکان تشکیل میشود. از اهالی محله ایسکان تقاضا داریم برای دستیابی به خواسته هایشان و خلاصی از نابسامانیهای موجود آماده باشند.

۳- ساعت ۱۰ صبح ۱۹۹۱/۳/۲۵ مقرر شورای «شوریجه» اولین جلسه خود را برای فعالیت شورایی و به حق راجع به توانائی و آماده نمودن خود برای مجمع عمومی مردم شوریجه و ایجاد شورای محله شوریجه تشکیل میدهد. تا هر چه زودتر مردم ستمدیده شوریجه نقش خود را در تداوم انقلاب ایفا کنند.

۴- شب گذشته یک جلسه فعالین جنبش شورائی محله «عرفه» تشکیل گردید. ساعت هفت و نیم روی تاسیس شورای محله عرفه بحث کردند. امروز ساعت ۳ در ساختمان اتحادیه زنان نزدیک «کائت ها» مجمع عمومی اهالی عرفه برای تاسیس شورای محله عرفه تشکیل میگردد.

اعدام مجرمین

۱- در تاریخ ۳/۲۱ در میان قبرستان شیخ محی الدین، مجرم نوری اعدام گردید. مجرم نامبرده در کشتن کودک نزدیک کلانتری ایسکان و تیرباران کردن ۳۰ نفر از اهالی ستمدیده و انقلابی کرکوک در مقر نظامی شوریجه دست داشت.

۲- ساعت یک و سی دقیقه مجرم مفوض موفق، مامور سازمان امنیت وابسته به دایره کرامه در کنار ملعب حریه اعدام گردید. مجرم مزبور نقش فعالی در آزار دادن مردم ستمدیده داشت و مایه صدمات فراوانی برای آنها بود. با کمک ۵ رفیق شورا خواه و اتومبیل شورایی این امر به انجام رسید. بگذار بلادرنگ همه مجرمین در دادگاه خلقی آشکار و فوری به سزای خود برسند.

فعالیت شورائی

۱- انجمن شورائی: حسیره که یک ایستگاه محلی تاسیس کرده و یک تانکر حمل و نقل مواد سوختی پیدا کرده است و در کوشش و تقلای این است که مواد سوختی بیابد و بین اهالی محل تقسیم کند.

۲- در تاریخ ۳/۲۳ یک دسته مسلح شورای محله شوریجه به منزل «امین» حضور فرقه و منزل یکی از اعضای حزب {بعث} در حی البعث و منزل مسئول منطقه در راه بغداد وارد شدند و مواد غذائی و مایحتاج دیگر را مصادره نمود و بین اهالی محله تقسیم نمودند.

روزنامه باید در خدمت مردم باشد.

«کرکوک»

همه قدرت بدست شوراهای

گردهمایی

ساعت ۲ بعد از ظهر ۳/۲۵ با تلاش فعالین شورایی، گردهمایی عمومی شورای اهالی ایسکان تشکیل شد. تعدادی از اهالی این محله در مدرسه ای جمع شدند و با فعالین شورا گفتگوی جدی و بحث گرمی را دامن زدند که در آن مردم محله مشکلات خود در شرایط فعلی را بیان داشتند که اکثرا صحبت از مشکل فقدان آب و آرد و نفت و اسلحه میکردند. پس از حدود یکساعت و نیم چندین نفر خود را برای نمایندگی شورا کاندید کردند. که عبارت بودند از شش دختر و دو پسر و یک زن عرب. پس از رای گیری ۷ نفر از آنها به نمایندگی انتخاب شدند. چون در اوضاع و احوال فعلی کرکوک تعداد کمتری از اهالی ایسکان حضور بهم رسانده بودند تعداد نمایندگان نیز کم بود، در وضعیت بهتری دوباره انتخابات شروع خواهد شد.

فعالیت شورا

۱- در ۳/۲۴ مقرر شورای اهالی رحیم آباد در مدرسه القدس نزدیک شهربانی سابق تاسیس گردید.

۲- در ۳/۲۵ مقرر شورای مردم «تبش» ایجاد شد.

۳- بخاطر شرایط و اوضاع و احوال نامناسب عرفه در ۳/۲۵ گردهمایی شورایی انجام نشد.

اخبار

* بامداد روز ۳/۲۵ چهار هلیکوپتر و یک هواپیمای سیخو به شهر کرکوک بویژه محلات ایسکان و شوریجه و امام قاسم یورش آوردند. در ایسکان چند خانه ویران شد و چند نفر زخمی گشتند. در شوریجه چند خانه ویران و ۱۰ نفر کشته شدند. در اطراف «غازکه» نیز مقر اتحادیه میهنی مورد هدف قرار گرفت. هنگام غروب و شب نیز گلوله باران همچنان ادامه داشت

* ساعت ۱ بعد از ظهر همان روز هلی کوپترها دو مهب به امام قاسم زدند که سبب ویران شدن ۷ خانه و کشته شدن یک کودک و زخمی شدن ۵ نفر گردید.

* امریه ای دولت بعث برای همه واحدهای نظامی صادر شده که می گوید هر نظامی کرد از سرهنگ تا سرباز باید خلع سلاح شده و به زندان افکنده شوند.

* یک پلیس ترکمن که از تکریت آمده میگوید نزد زندانیان کرد تکریت رفته. میگویند ما وضعمان خوب است اما تا می توانید به دادمان برسید.

* یک دسته مسلح شورای حسیرکه در حمله به پادگان خالد شرکت کرد و یک عضو شورا به نام آراس عبدالکریم کشته شد.

* برادران شورا در حریه سه گونی شکر را بین اهالی این محله تقسیم کردند.

شوراهای را به ستاد مبارزاتی طولانی مدت تبدیل کنید!

مردم باید مسلح شوند و ضامن شوراهای باشند!

همه قدرت به شوراها

شوراها

شماره ۹ - ۱۹۹۱/۳/۲۷

قیمت ۲۵۰ فلس

سرنگون باد بعث سرمایه برقرار باد شورا

اخبار داخلی کرکوک

• امروز در مقر شورای شورویجه ساعت ۱۱ صبح اولین گردهمایی مقدماتی برای یکسره کردن کارهایشان تشکیل میشود. در این گردهمایی رفقای فعال شورایی شهر سلیمانیه و اربیل شرکت می کنند، برگزاری هرچه سریعتر کارهایشان را هماهنگ کنند.

• چند روز پس از تاسیس مقر شورای شورویجه دیروز این مقر توانست صاحب یک تانک شود. این تانک کار می کند و ۴۰ گلوله توپ و همچنین خدمه ماهر همراه دارد. بگذار شوراها به سلاح های سنگین نظامی مجهز گردند.

• دیروز یک دسته مسلح مقر شورای حسیرکه به محل استقرار نیروهای دولتی شبیخون زدند.

• دیروز هوایماهای دولت ثروتمندان، مناطق آزاد شده را بمباران کردند. از جمله یک ناپالم به جلو بیمارستان اصابت کرد اما خسارتی به بار نیاورد.

• اعدام دو جاسوس در کنار سد روبروی بازار مرکزی، این دو مجرم در آنجا به دیدبانی برای توپهای دولت می پرداختند. بگذار به فوریت ماموران رژیم بعثی سرمایه مجازات شوند تا با خون آنها صدمه به مردم ستمدیده بگور برده شود.

• دیروز عصر نیروی هوایی حکومت ضد آزادی اطراف ساختمان مخابرات را بمباران کرد. اما نیروی دفاع هوایی دلیرانه آنها را به فرار وادار کردند. البته رژیم ضد دموکراسی مایوسانه دارد از خود دفاع می کند.

• خبرگذار ما از سلیمانیه خبر می دهد، کمیته امنیت جبهه به مقر شورای محله زرگته یورش برده و با شیوه ای ناپسند خواستار بستن مقر شده اند. اما پافشاری شورا در دفاع از دستاوردهایش موجب عقب نشینی کمیته شد. امیدواریم به آزادی ایجاد تشکل حمله برده نشود. همینطور همان کمیته نامبرده به دستفروشان جنب مسجد بزرگ حمله کرده است، پیش از آنکه چنین یورش انجام گیرد باید آب و نان برایشان تهیه شود.

• اخبار پایتخت بر این منوال است که نیروی بزرگ گارد جمهوری اطراف بغداد را محاصره کرده. در داخل شهر تظاهرات ادامه دارد. در محلات ثوره و شعب و حریه و کاظمیه و ... سر همه راهها مسلسل دوشکا و توپ و زره پوش مستقر کرده اند. شورش هزاران نفری مردم عراق همچنان ادامه دارد.

• در ۳/۱۸ کارگران بیمارستان عمومی سلیمانیه قطعنامه ای راجع به بازگشتشان به سر کار صادر کردند. این امر بدنبال یورش کمیته امنیت احزاب جبهه درسلیمانیه به آنها و مجبور کردنشان به بستن مقر شورا بود. اما شورا مقر نیست، جنبش تاریخی است که در ذهن کارگران و زحمتکشان جای گرفته است، مگر همه ی ما مردم را از بین ببرد آنگاه شورا نیز تهدیدی برای ثروتمندان نخواهد بود.

طرح برنامه حکومت شورائی مصوب کمیته نمایندگان شوراها قوانین اساسی حکومت شورائی

یکم - آن نظامی سیاسی که پس از سرنگونی حکومت بعث سرمایه سر کار بیاید، حکومتی پارلمانی نیست. تجربه جهانی نشان داده است که پارلمان مانند ارتش و پلیس و دیگر دستگاههای بوروکراتیک دولتی ابزار حکومت سرمایه دارانند و در خدمت سرکوب و فریب مردمند.

ما می خواهیم حکومت شوراها را برپا کنیم، حاکمیت شورایی بر اساس اصول:

۱- حاکمیت مردم بر اساس دموکراسی شورایی

۲- منحل ساختن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای جدا از مردم و تسلیح عمومی مردم بجای آنها.

۳- منحل ساختن بوروکراسی دولتی مافوق مردم و تاسیس نظام دموکراتیک شورایی اداره امور بجای آن.

دوم- شکل بوجود آمدن اساسنامه حکومت شورایی

۱- سنگ بنای نظام شورایی شوراهای پایه هستند. اینها سرمنشا همه ارگانهای منتخب دیگرند و حکومت محلی و ناظر بر کار کارمندان و نمایندگان منتخب مردمند.

«شوراهای پایه» در محله، کارخانه، اداره، روستا و اردوگاهها و هر محل دیگر باید تشکیل گردند.

۲- «شورای نمایندگان» در هر شهر و منطقه باید ایجاد شوند.

۳- نمایندگان شوراهای کردستان، وظیفه اش پیشبرد همه امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی کردستان است.

۴- «کنگره سراسری نمایندگان شوراها» عالیترین ارگان دولت است.

۵- شوراها هم قانونگذارند و هم مجری قانون. شورای محله در چهار چوب محله خود حق تصمیمی گیری و قانونگزاری دارد و همینطور شورای کارخانه، اداره و روستا و اردوگاهها نیز. تصمیم گیری در باره مسائل سراسری و عمومی بر عهده «شوراهای نمایندگان» است، در رابطه با شهر ها و مناطق. «کنگره سراسری نمایندگان شوراها» موظف است که قانون اساسی کشور، قانون کار، قوانین جزایی رفاه اجتماعی و خواسته های زحمتکشان را تصویب و اجرا نماید.

۶- کنگره برای اجرای قوانین هیئت اجرایی تعیین میکند. این ارگان وظایف حکومت شوراها را اجرا میکند و ارگانهای اداره کشور و مسئولین هر بخش را تعیین میکند و از جمله مسئول امور خارجه، داخله، اداره دادگستری، کار و حرفه و مسائل اجتماعی، امور کشاورزی، نیروی مسلح همگانی، امور مالی و خزانه داری، امور پزشکی و بهداشتی و امر آموزش و پرورش. «شورای نمایندگان» نیز در حد شهر یا یک منطقه مسئولند و ارگان اداری لازم را تعیین می کنند.

۷- نمایندگان و کاربدستان در همه سطوح از طریق انتخابات تعیین میکردند و هر گاه اکثریت انتخاب کنندگان بخواهند از کار برکنار و تعویض میشوند. کسانیکه بدین ترتیب بکار گمارده میشوند و از جانب مردم یا نمایندگانشان میگردند بدون استثنا به اندازه مزد یک کارگر ماهر حقوق ماهانه دریافت میدارند.

- ۸- رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی حق همه افراد از زن و مرد بالاتر از ۱۶ سال است. هرفرد بالاتر از ۱۸ سال می تواند برای هر دستگاه و ارگان نمایندگی انتخاب شود.
- ۹- قضات و کاربدستان قضائی باید انتخاب شوند و قابل عزل باشند هر گاه اکثریت انتخاب کنندگانشان بخواهند. هر نوع دادگاه مخفی و ویژه منحل خواهد شد و همه محاکمات علنی خواهد بود.
- ۱۰- ارتش و دیگر نیروهای مسلح حرفه ای جدا از مردم و سازمانهای جاسوسی و مخفی باید منحل کردند و مردم بطور همگانی مسلح شوند و امور نظامی در تمام سطوح به مردم آموزش داده شود. الغای سربازی اجباری.
- ۱۱- مردم بر سیاست خارجی نظارت کامل داشته باشند، باید دیپلماسی مخفی بطور کامل ملغی گردد. از همه جنبشهای انقلابی کارگری و دمکراتیک پشتیبانی میشود، و همه معاهدات اسارتبار اقتصادی، سیاسی امپریالیستی ملغی میگردد.
- ۱۲- باید دین بطور کامل از دولت جدا باشد. دین مانند امر خصوصی هر فرد تلقی میشود. هر فرد کشور آزاد است که هر دینی را انتخاب کند و یا هیچ دینی داشته باشد. هیچ دینی بعنوان دین رسمی کشور شناخته نمی شود.
- ۱۳- حق تعیین سرنوشت حق بیچون و چرای هر ملتی است. مردم کردستان آزادند به هر نحوی که خود بخواهند، سرنوشت سیاسی کردستان و شکل و شمایل حاکمیت سیاسی و مناسبات حقوقی واداری را تعیین نمایند. نه دولت و نه هیچ نیروی سیاسی اجازه ندارند که با استفاده از زور مانع این شوند که مردم کردستان به دلخواه خود سرنوشت خویش را تعیین کنند.
- ۱۴- آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، آزادی اجتماعات، انتخابات، تظاهرات، اعتصاب و تشکل سندیکا و اتحادیه و هر گونه سازمان سیاسی و صنفی.
- ۱۵- زن و مرد در همه حقوق قانونی برابرند. هر گونه تبعیض قانونی بر اساس جنسیت ملغی میگردد.
- ۱۶- هر گونه تبعیض و محدودیت در برابر اقلیتهای مذهبی و در برابر حقوقی قانونی هر کسی بخاطر مرام و عقیده سیاسی برداشته میشود.
- ۱۷- هر کس در انتخاب محل کار و مسکن خود آزاد است. هر گونه دخالت پلیسی در زندگی خصوصی مردم و جستجوی منازل مردم تحت هر بهانه ای که باشد ممنوع است. اجازه ندادن به هیچ نیروی پلیسی سرکوبگر تحت هر نام که باشد.
- ۱۸- حکومت شوراها حقوق دمکراتیک مردم زحمتکش را به رسمیت میشناسد و ضمانت اجرای آنها در زندگی اجتماعی را بر عهده خود میگیرد.

نکات اساسی قانون کار کارگری

- تعیین و تصویب قانون کار کارگری و اجرای آن تنها از جانب نمایندگان شوراهای کارگری صورت میگیرد. این قانون قانونی لاتغییر نیست، بلکه متناسب با ارتقاء زندگی تعییراتی را در درون خود تعیین می نماید.
- ۱- آزادی کامل حق ایجاد هر گونه تشکیلات برای کارگران در تمام بخشها.
- ۲- آزادی بی قید و شرط اعتصاب، تظاهرات و گردهمایی و ...

- ۳- هفت ساعت کار روزانه و ۳۵ ساعت در هفته با دو روز تعطیلی متوالی.
- ۴- ۴۵ روز مرخصی سالانه علاوه بر تعطیلات رسمی با تمام حقوق و مزایا، بعلاوه باید ماهیانه دو روز مرخصی ویژه به زنان داده شود.
- ۵- حداقل مزد کارگران باید با هزینه های یک زندگی مرفه برای یک خانواده پنج نفره تطابق داشته باشد که باید از جانب نمایندگان سراسری شوراهای کارگری تعیین گردد.
- ۶- اخراج کارگران تحت هر بهانه ای که باشد ممنوع است.
- ۷- تنبیه کارگران تحت هر بهانه ای که باشد ممنوع است.
- ۸- شب کاری بجز آن بخشهایی که کار شبانه در آنها ضروری است ممنوع است. پرداخت حقوق دو برابر برای کار شبانه، کار کنترتی و اضافه کاری ممنوع است.
- ۹- زمان آمد و رفت و حمام و سواد آموزی و گردهمایی جزو زمان کار بحساب میاید.
- ۱۰- ایمنی محیط کار و بر طرف ساختن مخاطرات باید متناسب با تازه ترین دستاوردهای تکنیکی زمان تامین گردد.
- ۱۱- به تمام کارگران بیکار و هر فرد بالاتر از ۱۸ سال که آماده کار کردن بوده و کار پیدا نکند باید بیمه بیکاری پرداخت گردد.
- ۱۲- حداکثر سن بازنشستگی (تقاعد) ۵۵ سال یا پس از ۲۵ سال سابقه کار با توجه به مریضی و اتفاقات اضطراری با تمام حقوق و مزایائی که قبلا به او پرداخت شده.
- ۱۳- مزد یکسان برای زن و مرد در ازای کار یکسان، همچنین استخدام یکسان.
- ۱۴- کار سنگین برای زنان حامله ممنوع است. زنان هنگام حاملگی و وضع حمل باید حداقل ۱۸ هفته مرخصی به آنها داشته شود، کار روزانه زنان بچه دار نباید از ۶ ساعت بیشتر باشد.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان کمتر از ۱۸ سال ممنوع است.
- ۱۶- نمایندگان شوراها در سراسر کشور نظارت بر پیشبرد و اجرای قانون کار کارگری را بعهده خود میگیرد.
- ۱۷- تامین ملزومات تفریحی و فرهنگی در محل کار و محل سکونت کارگران از جمله ساکن گردهمایی، ورزش، استراحت و حمام و غیره.
- ۱۸- کارگر خارجی مانند هر کارگر عراقی از تمام حقوق کار تا حد رای دادن برای انتخابات برخوردار میباشد.
- ۱۹- تعیین اول ماه مه همچون روز جهانی طبقه کارگر و تعطیل رسمی کشور.
- ۲۰- قطعنامه گردهماییهای کارگری رسمی تلقی میشود.

مطالبات کارگران و همه زنان و مردان انقلابی برای تامین حقوق زنان به شرح زیر است:

زنان در انتخاب همسرشان آزادند. ازدواج امری دلخواه است، معامله بر سر ازدواج ممنوع است. برای رسمیت ازدواج تنها ازدواج مدنی، یعنی ثبت در دفتر رسمی بدون انجام هیچ رسم و رسوم مذهبی، کافیت است. ازدواج شرعی به لحاظ قانونی رسمیت ندارد. ازدواج زنان و مردان کمتر از ۱۸ سال ممنوع است. تعدد زوجات ممنوع است. و مرتجعین این شیوه ازدواج باید دستگیر و مجازات گردند. در رابطه میان زن و مرد هیچیک برای سفر به دیگران وابسته نیست.

هر نوع تنبیه و زدن و بی جرمی و تحقیر زنان به هر بهانه مانند ناموس پرستی، عقب ماندگی فکری، نژادی و مذهبی محکوم است و مرتکبین این کارها باید مجازات شوند. هر نوع تفاوت و نابرابری میان زن و مرد در زمینه ارث، سرپرستی کودکان که بشیوه کهنه برای مرد برسمیت شناخته شده، باید لغو گردد. زن و مرد در مقابل کودکان و تمام دارایی و مایملک حقوق مساوی هستند.

هر نوع نابرابری میان زن و مرد در رابطه با حق طلاق باید از میان برداشته شود. زنانی که بدون ازدواج صاحب کودک میشوند باید برایشان حقوق مادری برسمیت شناخته شود. رابطه میان زن و مرد محترم است و دولت و هیچ کس دیگری حق مداخله در این رابطه را ندارد. زن و مرد برای انتخاب کردن و انتخاب شدن باید دارای حقوق مساوی باشند. زنان در انتخاب لباس آزاداند. تحمیل لباس ویژه و حجاب بر زنان بکلی ممنوع است.

تمایز میان زن و مرد تحت هر نوع و در هر جا ممنوع باید گردد. هیچ نوع ممانعت از اختلاط زنان و مردان در محل های عمومی نباید باقی بماند. هر نوع تمایز میان زن و مرد در کار، آموزش و پرورش باید برداشته شود، برای آموزش و سعادت زنان باید امکانات بیشتری تامین شود تا زنان به شیوه ای وسیعتری در مدارس آموزشی شرکت کنند.

کودکستان و شیرخوارگاه در همه شهر ها و روستا ها باید به فوری ایجاد شود. برای رهایی زنان از چنگال کار خانگی و بچه داری، جامعه باید مسئولیت مالی و تندرستی و اقتصادی تمام کودکان را بر عهده بگیرد. برای مبارزه با عقاید مرد سالارانه باید آموزش مردان در دوره های آموزشی انجام شود و برای این کار لازم است کلیه نشریات و وسایل ارتباز جمعی بکار گرفته شوند. بعلت زندگی دشوار و عقب ماندگی، برای زنان باید کار ویژه و زیادتری انجام شود. همه زنان جامعه باید از امکانات بهداشت رایگان بهره مند شوند. همه امکانات و بیمارستانهای ویژه ضروری برای زنانی که صاحب فرزند میشوند باید بشیوه ای مدرن و دکت و دارو بصورت رایگان دائمی تامین گردد.

دولت موظف است زنانی را که قربانی فحشا شده اند بلحاظ مالی و معیشت تامین کند و امکان آموزش و کار را برایشان فراهم نماید. مرتکبین و دلالان این کارها باید بسختی مجازات شوند.

برای زنان کارگر: ۶ ساعت کار در روز برای زنان حامله. ۱۸ هفته مرخصی با حقوق برای زایمان، دستمزد برابر در مقابل کار برابر زنان و مردان، دو روز مرخصی ماهیانه دوران قاعدگی برای زنان، باید در همه کارگاهها و کارخانه

ها و محل های تولید اجرا شود. هر نوع تمایز بر اساس جنسیت برای انتخاب شغل ممنوع است. زنان باید برای تعیین شغل مناسب فرصت و امکانات لازم را داشته باشند و برای این امر باید آموزش ببینند و زنان باید در عمل برای شرکت در این کارها یاری شوند. کار کنتراتی و تولید خانگی برای زنان علاوه بر مردان ممنوع است. همه زنان کارگر در کارگاهها و کارخانه ها باید متناسب با ضروریات سلامتی و پیشرفت تکنیکی کار کنند.

زن و مرد باید از بیمه درمانی و بیمه بازنشستگی و بیمه بیکاری و هر نوع امکانات دیگر به تساوی بهره مند گردند. باید امکانات مناسب و ویژه برای زنانی که شب کار می کنند فراهم گردند. زنان صاحب کودک نباید شب کاری کنند. کار مناسب با وضع این زنان بویژه هنگامی که کودک شیرخواره است باید برای مادران تامین شود. سپردن هر نوع کار سخت و زیان آور که سلامتی زنان را به خطر اندازد و اخراج زنان حامله تحت هر عنوان ممنوع است. کار زنان باید تضمین شود و زنان باید بدانند بعد از زایمان و مرخصی به شغل خود باز گردند. برای زنان حامله باید کار سبکی تعیین شود. زن یا مرد کارگر مجازند برای نگهداری کودک تازه دنیا آمده {۱۸ هفته برای مادر و پدر} با حقوق بگیرند. زنانی که کودک شیرخواره دارند، مجازند در محل کار در فاصله هر دو ساعت و نیم به کودکشان شیر بدهند و این مدت جزو ساعت کارشان حساب می شود. هر نوع تمایز علیه زنان برای شرکت کردن در تشکل سیاسی و صنفی و فرهنگی ممنوع است. زن و مرد در شرکت و حق عضو شدن در این تشکل ها دارای حقوق یکسان هستند. ایجاد تشکل حول مطالبات زنان آزاد و حقی مشروع است. دولت موظف است این تشکل های توده ای غیر دولتی را، چه تشکل زنان باشد و چه شوراهای محلات، برسمیت بشناسد و از طریق دستگاه اجرائی و نظارت بر مطالبات ویژه زنان امکانات لازم را برای دستیابی به اهدافشان به آنان تخصیص دهد.

قانون اساسی جامعه باید قانون برابری کامل و تمام عیار زن و مرد در همه حقوق قانونی و عرصه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد.

زنان و مردان کارگر و زحمتکش و همه مردم شرافتمند و آزادیخواه را برای رسیدن به این اهداف و تبدیل آنها به قانون جامعه، فرا می خوانیم.

زنده باد برابری زن و مرد

زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker–communist Party Hekmatist

hekmatist.com

انتشارات حزب کمونیست کارگری _ حکمتیست (خط رسمی)